

سالی که گذشت یا بربریت یا سوسیالیسم

در آستانه سال جدید میلادی هستیم و با نگاهی اجمالی به سالی که رو به پایان است، بیش از هر زمانی این جمله رزا لوکزامبرگ را باز می یابیم، که آنچه از سوی صاحبان قدرت و زور و سرمایه به بشریت قرن بیستم و یکم می رود، نشان بربریت سرمایه، در نه در عصر حجر، بلکه در جهان متمدن و مدرن امروز است. روند اوضاع جهان امروز چگونه ای است که بشریت بیش از هر زمانی در برابر گزینه تحمل بربریت سرمایه و یا تلاش جهت بدیل سوسیالیستی قرار گرفته است.

سالی که گذشت سال تداوم بحران جهانی سرمایه داری، سال ادامه باز توزیع و جابجایی جهانی قدرت های اقتصادی و تشدید رقابت قدرت های بزرگ سرمایه داری برای گسترش مناطق نفوذ در نقاط مختلف جهان، سال تشدید کشمکش بین قدرت های بزرگ سرمایه داری برای شکل دادن به بلوک بندی های جدید سیاسی و اقتصادی، سال عروج دوباره روسیه به عنوان یک رقیب امپریالیستی در مقابل آمریکا و اتحادیه اروپا، سال عروج چین به مانند دومین از بزرگترین رقیب اقتصادی و سیاسی جهان، سال جنگ و بحران در خاورمیانه، سال رشد و ادامه ویرانگری افراطی ترین شاخه های اسلام سیاسی، تشدید بحران پناهندگی و رشد راسیسم، سال اعمال شدیدترین برنامه های ریاضت اقتصادی علیه کارگران و اقشار محروم جامعه، بحران و بن بست راه حل های نئولیبرالی و سال تشتت در صف احزاب و نیروهای بورژوازی برای مقابله و مهار آن که به بستری برای تحرک و رشد گروه های راست افراطی و شبه فاشیست با پلاتفرم پناهنده ستیزانه تبدیل شد.

سالی که گذشت بار دیگر این واقعیت را بیش از هر زمانی نشان داد که تحت حاکمیت نظام سرمایه داری راه



ترامپیسیم و تاثیرات آن در ایران و منطقه



مروری بر بحران اقتصادی سالی که گذشت!



روژ آوا و مناسبات آن با دولت آمریکا

بازسازی ماشین نظامی حکومت اسلامی



جعفری، طائب و نقدی



پرتوان تر باد اعتصابات کاری

عباس منصوران

ترامپسیسم و تاثیرات آن در ایران و منطقه

جمهوری! ذهنیت آمریکایی، که جای خود دارد، خبرگان و ارزیابان سیاسی، این قطعه‌های معما را کنار هم نگذاشتند تا ترامپسیسم را به روشنی دریابند. از همین روی انگشت به دهان ماندند. ذهنیت آمریکایی، یک رنگ نیست، رنگ دیگری هم دارد، آنان که واسفا سردادند، و همراه هیلاری و بیل اشک ریختند، و جهان را در معرض نابودی شمردند، دانسته یا نادانسته نمی‌خواستند یا نمی‌خواهند بفهمند که ترامپ روی دیگر سکه کلیتون است و کلیتون از همان زهدانی بیرون آمده که ترامپ و ریگان و بوش‌های پدر و پسر.

ترامپ آمد، از همان سرزمین و مناسباتی که ترامپ‌ها مالک آن شده‌اند، بدون آنکه کوچکترین سابقه کار سیاسی و دولتی داشته باشد. او سیاست را در تجارت فراگرفته بود، و تجارتي که دلاری به مالیات پرداخته باشد و این رمز آراء او بود. او معامله گری کهنه کار بود و همانند دلالی فریکار، سندهای خانه‌هایی را می‌فروخت بی آنکه حتی آجری از آن، وجود خارجی داشته باشد. کلید او همانند کلید حسن روحانی، پلاستیکی بود و نه دری برای گشودن در میان بود و نه خودرویی برای راندن. او شیادی بود همانند اوباما و کلیتون و بوش و بوش‌های دیگر، با این تفاوت در پیشینه که آنان سیاست را برای پول سازی پیشه داشتند، و او پیشه‌اش پول‌سازی بود، از راه قمارخانه‌ها و روسپی‌خانه‌های بسیار در هتل‌هایش. او مالتی میلیاردرهای خود را از راه تجارت و دلالی و کازینو به دست آورده بود، بی مالیات، پولاد را از چین وارد می‌کرد، و هر قماشی را از هر آنجا که می‌شد همانگونه که معشوقه‌های خویش را. او با فساد و استثمار و کلاهبرداری، دارایی و درآمدی به چنگ آورده است که بر اقتصاد کل آمریکا فرمانروایی دارد. در این بحران هژمونیک، دلسوز شده بود که آمریکا باید سلطه‌ی خود را بر جهان بازیابد، باید نفت عراق را صاحب می‌شد. او عوامفریبی بود، با مغز نفرت‌ناکش، و می‌دانست که ارتش آمریکا پیش از عروج داعش از عراق بیرون رانده شد. برای سلطه بر نفت عراق، این دومین حوزه نفتی جهان، نیروی نظامی کافی نبود، و برای ماندن در عراق، نیرویی افزون بر ۲۰۰ هزار نفر برآورد کرده بودند. داعش و

«دونالد ترامپ» به رهبری سیاسی مناسبات سرمایه‌داری در ایالات متحده آمریکای شمالی رسید. با هر دوز و کلک. گیریم که کمی هم به زور سُمبه‌ی دستکاری جاسوسان روس در کامپیوترهای «دمکرات‌ها» از جمله خانم کلیتون، برای دستیابی به اطلاعات و انتقال آن به سود ترامپ یا لابی‌های روس، و شرکای تجاری ترامپ، اتاق فکر وی، ای میل‌های مفید و اطلاعات لازم دریافت شده از سیستم جاسوسی روسیه... به گزارش واشنگتن پست، سیا، در یک «ارزیابی محرمانه» دریافت که «افرادی مرتبط با کرملین» ای‌میل‌های هک‌شده کمیته دموکرات‌های آمریکا و مدیر کارزار هیلاری کلیتون را در اختیار وب‌سایت افشاگر «ویکی‌لیکس» قرار داده‌اند. (روزنامه واشنگتن پست، روز جمعه ۱۹ آذر ماه ۹۵ و رویترز) اما اینها پاسخگوی چرایی آمدن ترامپ نیستند. ترامپ، فرآورده‌ی جامعه‌ی آمریکایی با خود ویژگی‌های اقتصادی، مردم‌شناسی، فرهنگی، و ذهنیت «آمریکایی» بر آمده از مناسبات طبقاتی حاکم است. او حاصل بحران اقتصادی و بحران رهبری در قدرت سیاسی بزرگ‌ترین قدرت نظامی، اقتصادی جهان نیر می‌باشد. به بیانی دیگر او هم صورت مسئله است و مسئله ساز که برای حل مسئله آورده شده است! بی‌گمان، این تاجر همه چیز، در آینده در تجارت سیاسی، مسئله ساز خواهد شد. او نماینده‌ی قدرتی است که دیگر دولت‌های سربه‌فرمان و خرده کارگزارانی همانند اردوغان در ترکیه، ملک سلمان در عربستان و امیر قطر و ناتان یاهو در اسرائیل هم سر به فرمانش نمی‌برند. ترامپ حاصل، تروریسم اسلامی و وحشت آمریکائیان از تروریسم، داعشیسم و هجوم سیل مهاجرین جنگ نیابتی سرمایه جهانی نیز بود. ترامپ از هجوم کارگران جویای کارآمریکای لاتین، از مهاجرین مکزیکی که او آنها را تجاوزگران به زنان آمریکایی، دزدان و قاچاقچی می‌خواند، خوف در بیکاران و استخدام شدگان بی‌پشتوانه افکند. ترامپ بر شعار فساد در نظام حاکم، کلیتون‌های فاسد و مسئله نژادی، مجهز شدن حکومت اسلامی به سلاح هسته‌ای و تهدید منافع و هستی آمریکا متمرکز شد. او گفت که سند برجام را پاره می‌کند، که نمی‌کند! گفت اوباما، خارجی است و نباید حتی به دانشگاه هاروارد راه می‌یافت، چه رسد به ریاست

حلی برای پایان دادن به بیکاری و فقر و گرسنگی که حدود سه میلیارد انسان را در چنگال خود می‌فشارد، برای رهائی از جنگ و ویرانی که هر روز از انسان‌ها قربانی می‌گیرد، برای خاتمه دادن به بحران پناهندگی که ابعاد فاجعه بار و بی سابقه‌ای بخود گرفته است، برای جلوگیری از تخریب محیط زیست که هستی انسان‌ها و طبیعت را به مخاطره انداخته است و برای خلاصی از دیگر مصائب اجتماعی، وجود ندارد.

درسی که می‌شود از سالی که گذشت گرفت این است که برای رهائی جامعه بشری از چنگال نظام سرمایه داری و بربریتش، بدیل دیگری جز سوسیالیسم وجود ندارد. در این راستا بدون شک فاکتورهایی به نفع جنبش کارگری و سوسیالیستی وارد عمل شده‌اند. شکست نئولیبرالیسم و بحران ایدئولوژیک بورژوازی، تضعیف احزاب بورژوا رفرمیست و پایان سلطه بلامنازع آنان بر جنبش کارگری، تضعیف پایه‌های نظام‌های دیکتاتوری در حلقه‌های ضعیف نظام سرمایه داری، بی‌افقی و تشدید رقابت در بین قطب‌های بزرگ سرمایه داری، اینها همه عواملی هستند که به نفع مبارزه طبقه کارگر تغییر کرده‌اند. اما به رغم تغییر این معادلات هنوز شرایط ذهنی، پیش شرط‌ها و ملزومات شکل دادن به یک بدیل سوسیالیستی فراهم نیامده است. جنبش طبقه کارگر و کمونیست‌ها برای مطرح شدن به عنوان یک آلترناتیو در دسترس لازم است به یک جنبش سیاسی و تحزب یافته تبدیل شوند. این آمادگی در جریان نبرد روزانه کارگران و پاسخگویی به معضلاتی که پیش‌روی این مبارزه قرار دارد کسب می‌شود. در شرایط کنونی اعتصابات کارگری و اعتراضات عمومی علیه سیاست‌های ریاضت اقتصادی و مبارزه علیه دیگر مصائبی که نظام سرمایه داری تحمیل کرده است بستر مناسبی برای تدارک این آمادگی است. جریان سوسیالیستی برای گریز از بربریتی که سرمایه داری به بشریت تحمیل کرده است، به ناگزیر باید افق و چه باید کرد سیاسی روشنی در پیش پای جنبش طبقه کارگر و دیگر جنبش‌های رادیکال اجتماعی قرار دهد و ماتریال انسانی پیشبرد چنین نقشه راهبردی را در یک حزب اجتماعی کمونیستی گرد آورد.

با امید و تلاش برای دنیایی بهتر، به سال پیش‌روی می‌نگریم و شادباش‌های خود را تقدیم شما خواننده عزیز این سطور می‌کنیم!

جهان امروز

جنگ در سوریه و مداخلات با حکومت اسلامی ایران، لازم بود. جان کری، وزیر خارجه اوباما، دلال نفت رژیم ایران در نزدبازی با دوست خانگی اش، ظریف، خوب می دانست که نفت را چگونه باید نگه داشت. اما همیشه بین آرزو و واقعیت فاصله ای از هوا تا زمین است. با این همه، برجام را به گونه ای فرموله کرده بود که



نفتی تکراس و خلیج مکزیکی به کاوش و استخراج بپردازد. بریتیش پترولیوم انگلیسی در این رقابت از رقیب آمریکایی خود بازماند. قرارداد، با حضور پوتین در سوچی در کرانه دریای سیاه امضا شد. «اکسون موبیل» جدا از قراردادهای مهم نفتی با دولت مرکزی عراق، با دور زدن دولت مرکزی عراق،

با دولت کردستان عراق قرارداد نفتی بست و به بهره برداری و برداشت رسید. در ماه عسل برجام بود که اکسون در سال ۱۳۹۳ با برپایی یک شرکت حقوقی با برند تجاری «انرژی در اینجا زندگی می کند» به ایران بازآمد. اکسون، از سال ۱۳۴۱ با نام تجاری ESSO تا سال ۱۳۵۷ بازیگر مالی بزرگی بود که به مالکیت بنیاد مستضعفان درآمد و بانک سینا (با ۲۷۰ شعبه در ایران و نیز شعبه هایی در آلمان و دیگر کشورها) هلدینگ زمزم، بنیاد علوی، شرکت «نفت بهران» و شرکت آزاد راه تهران- شمال و شرکت سرمایه گذاری صندوق بازنشستگی کارکنان صنعت نفت و... از جمله سهامداران عمده آن هستند.

وزیر امور خارجه، تیلرسون با تحریم مخالف است، او همانند رئیس خود ترامپ، تاجر و معامله گر است. کمپانی های ترامپ و شرکا برای بلعیدن نفت عراق و کردستان دهان گشوده اند.

مشاور امنیت ملی ترامپ، ژنرال بازنشسته ارتش، مایکل فلین، مدیر پیشین آژانس اطلاعات امنیتی در پنتاگون است. وی در سال ۲۰۱۴ از اوباما و ارتش در حالی که سیاست های امنیت ملی کاخ سفید و پنتاگون از جمله، آسان گیری بر داعش و سیاست های جهانی رهبری را با انتقادی علنی و شدید به پرسش می گرفت، جدا شد. او جانبدار نزدیک شدن به مسکو و برجام بود، اما سرسختانه «اسلام افراطی» را به چالش می خواند. وی در ماه اوت ۲۰۱۶ در یک سخنرانی گفت: اسلام «یک ایدئولوژی سیاسی است که پشت مذهب مخفی شده است!» فلین، موافق تحویل فتح الله گولن چهره مذهبی اپوزیسیون ترکیه به اردوغان بود. بنابه قانون فدرال یک فرد تا هفت سال پس از توقف خدمت، می تواند وزیر دفاع شود، درحالی که مایکل فلین تنها دو سال است که از مدیریت آژانس اطلاعات امنیتی در پنتاگون فاصله گرفته است، اما ویژگی کارشناسی نظامی امنیتی وی، او را استثنا می کند.

در پست وزارت دفاع، «جیمز ماتیس» ژنرال بازنشسته ارتش می نشیند. او

وعده بازگرداندن ۱۵۰ میلیارد دلار به دولت روحانی را داد، تا با دست بازتر گشایشی برای پیشبرد نئولیبرالیسم اقتصادی باشد در برابر باند «پرو روس». تحریم های شورای امنیت و اروپا را برداشت، و فروش میلیاردی بیش از صد هواپیمای مسافربری از هر دو کمپانی بوئینگ و ایرباس را دلالی کرد، اوباما به ورود حکومت ایران به مسئله سوریه، تشکیل ارتش حشدالشعبی با هزاران بسیجی در عراق زیر فرماندهی سپاه قدس و قاسم سلیمانی که زیر پی گرد پلیس جهانی بود را شدنی ساخت. اوباما، پیش از همه پس از فروپاشی حاکمیت حزب بعث و صدام در عراق، تشکیل دولت دست نشاندهی «نوری المالکی» فاسد (ابو اسرا) را در عراق با همدستی حکومت ایران، و نیز همکاری با سران رژیم ایران در افغانستان و... را به پیش برد.

بازیگران سیاسی سرمایه داری در آمریکا، در کنار ترامپ، نقش تعیین کننده ای دارند. دستگاه رهبری حزب جمهوری خواه، سیاست بازان، سرمایه داران حاکم، با گزینش کارگزاران خویش در دستگاه قدرت سیاسی و رهبری مناسبات هستند که آینده سیاست ترامپ در عرصه های داخلی و خارجی را رقم می زنند. نگاهی به تنی چند از همقطاران ترامپ در دستگاه رهبری سرمایه در آمریکا، ماهیت و سیاست و سودای این حاکمیت را نمایش می دهد:

وزارت امور خارجه را «رکس تیلرسون»، مدیر شرکت «اکسون موبیل» عهده دار می شود تا در همقطاری با فرماندهان بانکی و نفتی، دولت آینده ترامپ را رهبری کنند. اکسون موبیل یک امپراتوری است با دستکم ۳۷۰ میلیارد دلار سرمایه در صنایع نفت و گاز، ساختمان، تکنولوژی، بازاریابی، مبادله، منابع انسانی از صنعت تا تجارت و بخش خدمات با ۵۰ کشور. این شرکت، در سال ۲۰۱۱ با شرکت نفتی «روس نفت» روسیه، که ۷۵ درصد سهام آن در دست لیگارشلی حاکم روس است، قرارداد بست تا به بهره برداری از نفت قطب و سیبری بپردازد و با لیگارشلی حاکم در روسیه به رهبری پوتین به توافق رسید که در حوزه های

هرآینه می توانستند یک جانبه حکومت اسلامی را عامل اخلاص بشمارند. شعارهای انتخاباتی ترامپ، مصرف همان ذهنیت ها و واقعیت هایی بودند برای صندوق های ترامپ. واقعیت پسا انتخابات، نمی تواند در بازار سرمایه، شعار پردازانه باشد. ترامپ البته با توجه به پایگاه و خاستگاه خویش، نمی تواند در برخی میدان ها به دستبازی اوباما، مانور و مداخلات کند. دلالان و لابی های دلفک بنیاد راکفلر، که روزی رقصان بر خون دهه های ۶۰ تا ۹۰ در کریدورهای وزارت امور خارجه آمریکا و دالان ها و اصطبل های حکومت اسلامی ایران درآمد و شد بودند، از امیراحمدی (شورای آمریکائی - ایرانی AIC) تا تریتا پارسی و نمازی ها و نیاکا [شورای ملی ایرانیان ساکن آمریکا (NIAC)] تا «اتحادیه روابط عمومی آمریکایی های ایرانی تبار» (پایا - PAAIA). و آیپاک (IAPAC) ... باید به کنار روند، استحاله شوند و یا لابی های دیگری همانند قارچ بر کنده های پوسیده برویند.

اوباما سیاست سرمایه داران آمریکا را در رابطه با ایران با برپایی سه کانال: با دفتر خامنه ای در عمان (به واسطه گری ملک قایوس)، با وزارت امور خارجه ایران از راه دیپلماتیک جاری، و سرانجام به کمک لابی های مزدوری حتی تا کاخ سفید و امور خارجه آمریکا و رسانه هایی همانند صدای آمریکا و رادیو فردا به پیش می برد. اوباما مامور بود تا موضوع هسته ای را به تفاهم (برجام - برنامه جامع اقدام مشترک) برساند. دستگاه رهبری سرمایه در آمریکا، به ریاست اوباما می دانست که جناح -باند سپاه، (جبهه پایداری و اصول گرایان) زیر چتر روسیه پوتینی است. می دید که این باند نظامی، بلوک اروآسیا را برگزیده تا به قدرت یکپارچه سیاسی و اقتصادی و الیگارشیک خود دست یابد و جناح رقیب را که سر به سودای غرب بسته تا بماند را به حاشیه براند، و برآن است تا همانند استری فرسوده، چهار نعل، به سلاح هسته ای دست یابد تا منطقه را به گروگان گیرد و ولایت فقیه را ابزار قدرت خویش سازد. اوباما خواهان آن بود که جناح باند پروغرب را تقویت کند،

حکومت ایران را بالاتر از القاعده و داعش، و تهدید کننده اصلی خاورمیانه می شناسد: «از نظر من داعش چیزی بیش از بهانه‌ای برای این که ایران به سوء رفتار خود ادامه دهد نیست. ایران دشمن داعش نیست. آنها از ناآرامی در منطقه که داعش می‌آفریند بسیار سود می‌برند.» با این همه، راهی برای عقب نشینی از برجام نمی‌شناسد. به شدت خواهان ماندن ارتش آمریکا در عراق و افغانستان است و فرمانده دو عملیات اول و دوم فلوجه، علیه القاعده در عراق و طالبان در افغانستان بوده است.

وزارت کار بورژوازی در آمریکای ترامپ را آندرو پازدر (Andrew Puzder) مدیرعامل رستوران‌های سی‌کی‌ئی می‌باشد. سی‌کی‌ئی، شرکت زاینده‌ی رستوران‌های زنجیره‌ای فاست فودها/کارلز جونیور و هاردیز ... می‌باشد که چند صد هزار کارگر را در تولید و توزیع و خدمات به استثمر می‌کشاند. او مخالف سرسخت افزایش دستمزدهاست.

وزارت بازرگانی: ویلبور راس را سزاست، که خود یکی از هزینه پردازان مالی عمده ترامپ در کارهای انتخاباتی و نیز مدیر سیاست‌گذار مالی ترامپ در کارزار انتخاباتی بود. «راس» تاجر، جانبدار گرایش ترامپ در تجدید نظر در قراردادهای بازرگانی «فتتا»، حتی لغو برخی از این قراردادهاست. او برخلاف نیازهای گلوبالیزاسیون و جهانی سازی تجارت و سرمایه، خواهان محافظت‌های تجاری و تعرفه‌ای گمرکی در آمریکا است. «راس» در خرید و فروش شرکت‌های ورشکسته با سودهای کلان، چیره دست است. وی شاید که بتواند بازرگانی دچار بحران آمریکا را از بحران به بحرانی دیگر افکند. دیگر همدستان ترامپ، از سرمایه‌داران مالتی میلیاردری آمریکا و دشمنان طبقه کارگر و فرودستان جهان هستند. ترامپ ناچار است سیاست هسته‌ای با رژیم ایران را سخت‌تر گرداند، بی آنکه بازی را به هم بزند. با سران اسرائیل نزدیک‌تر شود و ترکیه و عربستان را به فرمان آورد. ترامپ با اروپای غربی، تناقض‌ها باقی خواهند ماند، برخلاف خوشبینی‌های شرکای روس در کابینه ترامپ، به ویژه با سلطه‌ی ارتدکس‌های روس و پیشبرندگان پروژه اروآسیا و نوتراریسم سازشی در پیش نخواهد بود، اکراین و اتحادیه اروپا همچنان در تنش خواهد ماند. با سلطه‌ی سران سپاه و چنگ افکنی بر دولت و قدرت سیاسی در انتخابات آینده، و تبدیل ایران به پایگاه روسیه و چین، تنش در منطقه و تناقض‌های دو بلوک بر سر سهم درخاورمیانه بزرگ و آسیای میانه و آفریقا، شدت بیشتری خواهد یافت. ایجاد

منطقه امن در شمال سوریه به هزینه کشورهای «خلیج» پروژه‌ای است دلخواه اردوغان و به شدت نادلخواه پوتین و حکومت ایران و نورچشمی‌اش بشار اسد.

ترامپ، می‌تواند با روسیه شریک تجاری باشد و دستبردها را تا آنجا که شدنی است تقسیم کند. در این شرایط، حکومت ایران، با انتخابات پیش روی به سمت الیگارشی‌های روس، به رهبری الکساندر دوگین، مهندسی می‌شود. باند «روسو فیل» سپاه-اطلاعاتی‌ها، در تدارک قبضه‌ی قدرت سیاسی است. و ترامپ ناچار است در عراق پسا داعش به سهم آمریکا بیاندهد. جنگ داخلی بین شیعه و سنی و کرد، با بازیگری ایران و حشد الشعبی و سپاه قدس‌اش، و ترکیه و احزاب بورژوازی کرد از سوئی و در سوی دیگر، عربستان و تروریست‌های القاعده و داعش که به جنایات تروریستی در هرگوشه روی می‌آورند، و آمریکا و برخی از نیروهای بورژوازی کرد، و خطر هولناک جنگ داخلی در عراق، سوی‌های دیگر سناریو تیره‌ای هستند بر فراز منطقه. خاورمیانه بزرگ، که تا بخشی از آفریقا و آسیا را در بر می‌گیرد، میدان بزرگ رویارویی دو بلوک جهانی سرمایه است. نعل شیعه درخاورمیانه، اینک نه با نعلین که با موش‌کهای اتم سوز و سوخوهای ۳۵ و موشک‌های اس ۳۰۰ و اس ۴۰۰ و... با بال‌های نظامی حکومت اسلامی به دست حزب‌الله، حشد الشعبی، قدس، فاطمیون، زینیون، علویون، جهاد اسلامی و... تروریسم می‌آفریند و در یمن، بحرین، نیجریه، عربستان، سوریه، عراق، لبنان، فلسطین و... ریشه می‌دواند.

سران باند سپاهی- اطلاعاتی‌های به ثروت رسیده، بسان شبه طبقه‌ی حاکم، در تدارک قبضه قدرت و رویارویی با رخدادهای سیاسی، نظامی و خیزش‌ها و برآمدهای پیش رو، به میدان آمده است. مجید متقی‌فر، سخنگوی «جبهه پایداری» به آشکارا می‌گوید: «پیروز اصلی در انتخابات ۹۶ نظام جمهوری اسلامی است و ما پیش از اینکه به سمت پایداری و مطرح کردن گروهی باشیم، به دنبال پیروزی نظام در این انتخابات هستیم.» سخنگوی جبهه پایداری به آشکارا باند دولتین را «غیرانقلابی» می‌نامد و رئیس‌جمهورش را مشکل آفرین می‌نامد: «این مذاکرات دست‌پخت یک دولت غیر انقلابی است و اگر دولت صفت انقلابی داشت ما این مشکل را نداشتیم و این کلاه گشاد از طرف آمریکا سرمان نمی‌رفت... نوع مواجهه مذاکره کنندگان و دولت با تحریم‌های جدید درست نیست و دولت تصمیم دارد به هر قیمتی برجام را سرپا نگه دارد.»

حسین شریعتمداری سرپاسدار اطلاعاتی و شکنجه‌گر اوین، نماینده رهبر در کیهان تهران، در همین راستا و سیاست است که به فرموده‌ی «الکساندر دوگین»، مشاور سیاسی پوتین خواهان آتش زدن سند برجام می‌شود: «تولید سوخت پیشران؛ اگرچه ضروری است اما پاسخ مناسبی برای این عهدشکنی نیست. دولت باید بخش‌هایی از چرخه خارج شده را دوباره به راه بیاندازد و آن را علنی کند مثلاً سانتریفیوژهای خارج شده در نظنز باید دوباره به کار بیافتند.» حسین شریعتمداری، تریبون گردان باند «اروآسیایی» حاکمیت اسلامی، آتش افزوزی می‌کند، زیرا که روسیه نوتراری و چین، سود و بقا در بحران و جنگ افزوزی دارند، همانگونه که سرمایه جهانی دچار بحران سیاسی و اقتصادی. از همین روی شریعتمداری به نمایندگی از الیگارشی سپاه، پای بر آتش افزوزی می‌فشارد: «این برخلاف تصور دولت است که معتقد بود برجام، سایه شوم جنگ را از سر کشور برخواهد داشت... تمدید تحریم‌ها فقط لغو برجام نیست، بلکه پاره کردن آن است و پاسخ ایران نباید چیزی جز آتش زدن آن باشد.» او سخنگوی طوطی وش رهبر است، که در بیت با فریاد «آی دزد» و فرار از جلو، آتش زدن برجام را به زبان آورد.

با برآمد ترامپ‌سیسم، حکومت اسلامی، بهانه می‌یابد تا همانند پیش، بحران اقتصادی و سیاسی خویش را به ویژه بر دوش طبقه کارگر و فرودستان جامعه و لایه‌های آسیب پذیر اجتماعی فرودآورد و بیش از پیش به سیاست‌های میلیتاریستی خویش بیفزاید، به سرکوب و خفقان، شدت بیشتری دهد، فلاکت آفریند، بیکاری و بی‌نانی و بی‌سرنه‌ی را گسترش و ژرفایی هولناکتر دهد، به امپریالیست‌های چین و روس دستی گشاده‌تر برای غارت و استثمار و ایجاد پایگاه و اشغالگری ببخشد تا در حاشیه‌ی امنیتی‌اشان به حکومت بنشینند. کلیتوتن و حزب دمکرات برای جناح باند میانه باز پروغرب و آمریکا، می‌توانست ضمانتی برای بقا و نیز پشتیبانی برای ماندگاری باشد، ترامپ و همقطاران، اما با توجه به عناصر و بازیگران و رویکرد، نمی‌توانند با هیچ‌کدام از جناح باندها، تا مرحله اوباما نزدیک شوند و «ظریفانه» نرد عشق بیازند. در این میانه، برد با نوتراریسم است و امپراتوران سرمایه در چین از رده دوم به بزرگترین رقیب در برابر آمریکا می‌ایستد.

فرشید شکری

پرتوان‌تر باد اعتصابات کارگری

«اعتصاب همیشه سرمایه‌داران را مملو از ترس می‌کند. چونکه اعتصاب شروع از بین رفتن سروری آنهاست. یک سرود کارگری آلمانی در مورد طبقه ی کارگر می‌گوید، تمام چرخ‌ها از چرخش باز می‌ایستند، اگر بازوان نیرومند شما آن را اراده کند.» لنین

رهبران و آموزگاران پرولتاریای جهان، کارل مارکس، فردریش انگلس و لنین هر دم روی نقش محوری اعتصابات کارگری در پیشروی مبارزه علیه طبقات حاکمه تأکید می‌کردند. دست کشیدن از کار و اعتصاب، شیوه ای مفید و کارآمد برای تحقق اهداف مبارزاتی می‌باشد که در طول حیات وجه تولید سرمایه داری همیشه مورد استفاده ی توده‌های کارگر معترض، قرار گرفته است. اعتصابات کارگری به عنوان ابزاری مؤثر جهت مقابله با تعرضات صاحبان سرمایه و خریداران نیروی کار، و در مقام ابزاری برای تحمیل مطالبات و خواست های صنفی و حتا سیاسی به سرمایه داران و دولت‌هایشان با تولد طبقه ی کارگر مدرن در بطن شیوه و مناسبات سرمایه‌دارانه ی تولید، متولد گردید، و بی تردید همچنان به مثابه سلاح برنده ی مبارزه ی طبقاتی علیه کارفرمایان و استثمارگران، بکار گرفته می‌شود.

واضح و مبرهن است هنگام وقوع یک اعتصاب، کارگران خواست‌های معینی مثلاً افزایش دستمزد، پرداخت دستمزدهای معوقه، پرداخت بیمه درمانی، کم کردن ساعات کار، و غیره را طرح می‌کنند و برای محقق شدن این مطالبات، کارفرما یا صاحب کار را به مصاف می‌طلبند. در این اعتصاب، تک تک کارگران اعتصابی فارغ از نژاد و زبان و جنسیت، و عقاید مذهبی دست در دست همدیگر جلوه ای از اتحاد طبقاتی اشان را در مقابل دشمن به نمایش می‌گذارند.

کارگران اعتصابی و معترض بخوبی می‌دانند که اعتصاب اشان بسادگی قابل شکستن است، چنانچه تا پایان کار متفق القول و متحدانه روی خواسته های مطروحه پافشاری نکنند. بنا بر این، اگر مطالعه ی تاریخ جنبش های کارگری ایران و جهان این درس و تجربه ی بس گرانقدر یعنی نقش وفاق و اتحاد مبارزاتی در پیروزی بر فلان کارفرما و سرمایه دار را آموزش می‌دهد، لیکن کارگران در میدان جدال و مبارزه علیه سرمایه داران، آنرا عملاً فرا می‌گیرند. چنین اتحاد و همبستگی طبقاتی ای که در سایه ی اعتصاب

و اعتراض در محیط های کار و زحمت نمود می‌یابد و کارگران آنرا در معرض دید عموم می‌گذارند، قطعاً می‌تواند در یک یا چند رشته ی تولیدی و خدماتی، در چندین شهر، و نهایتاً در کل کشور روی دهد، بشرطی که کارگران کمونیست یا بخش آگاه و پیشرو طبقه ی کارگر برای متصل کردن مبارزات پراکنده ی کارگران با تمام توان فعالیت کند.

واقعیت این است که، تشدید بحران سرمایه داری ایران، و پیامدهای عملی سیاست اقتصادی نئولیبرالیستی، و ریاضت کشی اقتصادی که آثار و تبعات مخرب و بغایت ویرانگری بر کار و معیشت و حیات طبقه ی کارگر داشته اند، عامل رشد و گسترش اعتراضات و اعتصابات کارگری در اغلب مراکز تولیدی و خدماتی در کشور می‌باشند. افزایش اعتصابات و اعتراضات کارگری علی‌الخصوص در سال های اخیر حاکی از این است که کارگران کشور مرعوب وحشیگری رژیم و اختناق حاکم بر جامعه نشده اند. قدر به یقین، این چالش‌ها و پیکارهای کارگری که مؤید از کف رفتن تحمل کارگران و لبریز شدن پیمانه ی صبر و طاقت ایشان است، کمک شایانی به زنده نگهداشتن، تقویت و پویایی فضای مبارزاتی کشور، خواهند کرد. در اساس، اعتصابات کارگری مبارزه ای اثر گذار جهت ترک برداشتن دیوار سرکوب و اختناق و بیرون کشیدن جو سیاسی جامعه از رخوت و سستی است.

اگر چه اعتصابات کارگری در ایران علی‌العموم بصورت خود انگیخته راه اندازی می‌شوند، مع الوصف، همین اعتصابات خود انگیخته که توجه مردم رنجدیده ی جامعه را بسوی خود جلب نموده اند، فشار سیاسی زیادی را بر طبقه ی حاکم وارد ساخته اند. بایستی خاطر نشان کرد، اهمیت یک اعتصاب از موفقیت کارگران اعتصابی و رسیدن آنان به خواست های صنفی اشان بیشتر است چراکه هزینه ی سیاسی اعتصابات کارگری برای سرمایه داران و رژیم اشان بمراتب بیشتر از هزینه ی اقتصادی خواهد بود. نتیجتاً، ارزش واقعی اعتصابات کارگری صرفاً به دستاوردهای اقتصادی اشان محدود نمی‌ماند و بایسته است تا نتایج سیاسی و معنوی این اعتصابات در نظر گرفته شود.

شکی نیست، استمرار و گسترش بیش از پیش پیکارهای طبقه ی کارگر نه فقط مهار جنبش کارگری را برای دولت سرمایه داران و ارگان

های سرکوبگر دشوارتر می‌سازد، بلکه موقعیت مناسبی را فراهم می‌آورد تا طبقه ی کارگر همپای دستیابی به خواست های اقتصادی و بازپس گیری حقوق پایمال شده اش، مطالبات دموکراتیک و انسانی زنان، جوانان و ملل فرودست ایران را که جزو مطالبات سیاسی کارگران هم هستند، بر پرچم مبارزاتی خود حک کند و بطریق اولی رهبری و هدایت مبارزات توده های ناراضی را به عهده گیرد.

تجربه ی خیزش های کارگری گوناگون طی دو قرن گذشته در جهان از جمله قیام سال ۱۳۵۷ خورشیدی در ایران که تعداد زیادی از مراکز کارگری ایران، از گمرکات، آب و برق، بنادر و کارخانه های مختلف تبریز، تهران، قزوین، اراک، اصفهان، رشت و غیره وارد اعتصابی سراسری شدند و در آن اعتصاب شکوهمند خواست آزادی زندانیان سیاسی، لغو حکومت نظامی، و سرنگونی حکومت پهلوی مضمون واحد مطالبات کارگران اعتصابی بود، و نیز اعتصاب فراموش نشدنی کارگران شرکت نفت که با آن حرکت کمر حکومت سرمایه داری پهلوی را شکستند و بدین ترتیب رهبری قیام توده های بیخاسته را عملاً از آن خود ساختند، بر تأثیر اعتصاب کارگری بویژه اعتصاب سراسری کارگران بر فضای سیاسی جامعه، و ایضاً پیروزی ستمکشان و غلبه ی اشان بر ستمگران و استثمارگران تأکید دارد.

علاوه بر نکات بازگو شده، اعتصاب در واقع مدرسه ای برای یادگیری و ارتقاء آگاهی کارگران در مبارزات سخت و سرنوشت ساز پیش روست. در یک اعتصاب کارگری و آنگاه برخورد کارفرما و دولت به آن، کارگران اعتصابی تضاد منافع طبقاتی خود با صاحب کار را بهتر درک می‌کنند. در دل این اعتصابات یا نبردها، کارگران معترض به ماهیت طبقاتی دولت و فلسفه ی وجودی نهادهای آن پی می‌برند. در دل این مبارزات روزمره، رهبران و فعالین کارگری آبدیده می‌شوند، و نیز کنشگران جدیدی پرورش می‌یابند. در دل این رو در رویی های بدون انقطاع، خواست های سیاسی مورد تعقیب توده های ستمدیده در کنار مطالبات صنفی جای می‌گیرند که همین طبقه ی کارگر را به جایگاه رهبری جامعه ارتقاء می‌دهد. در دل این ستیز طبقاتی، ماهیت گرایشات راست جنبش کارگری، و نهادهای زرد و دست ساز دولتی برای کارگران

فریدون ناظری

روژ آوا و مناسبات آن با دولت آمریکا

(بخش اول)



مقدمه:

۴ - دفاع از خود مسلحانه که توسط (ی پ گ) و نیروهای انجام میگیرد که زیر چتر سازمانی آن هستند و مهمترینشان (ی پ ژ) می باشد.

۵ - ضدیت با (عوارض مخرب) سرمایه داری و اتکا به اقتصاد تعاونی، در عین مجاز شمردن مالکیت خصوصی.

۶ - همزیستی و همکاری بر اساس اصل برابری و تفاهم با ملیت ها و مذاهب موجود در کردستان برای اداره جامعه و تامین امنیت.

روابط دیپلماتیک:

از آنجا که هیچ کشوری سیستم حاکمیت شورایی در روژ آوا را به رسمیت نشناخته تمام ارتباطات دیپلماتیک مقبول کانتون ها توسط "حزب اتحاد دموکراتیک (پ ی د)" انجام میگردد. این حزب در چندین کشور دفتر نمایندگی گشوده و رهبران آن در چندین جلسه و دیدار با سران، سیاستمداران و نمایندگان پارلمان در کشورهای نظیر آمریکا، روسیه، فرانسه، بریتانیا، آلمان و چند کشور دیگر حضور یافته اند (۲)

کشورهای عضو ائتلاف به رهبری آمریکا و دولت روسیه رسماً با (ی پ گ) در جنگ علیه داعش همکاری نظامی دارند.

مناسبات با آمریکا:

یگان های دفاع از خلق (ی پ گ) حدود یک ماه پس از شروع محاصره

درک صحیح از نحوه برخورد گرایشات درون حاکمیت شورایی کردستان سوریه (روژ آوا) و نیروی مسلح آن (ی پ گ) (۱) به مناسبات با دولت آمریکا و چشم انداز آن برای نیروهای کمونیست و انقلابی از اهمیت زیادی برخوردار است. بدون درک آن نمی توان در برابر این جنبش و حاکمیت مردمی و دموکراتیک موضعی اتخاذ کرد که به همکاری فعال و درست با آن و تشکیل های مدافع آن بیانجامد.

قبل از پرداختن به اصل موضوع لازم است به اختصار گفته شود که راجع به چه چیزی صحبت در میان است.

حاکمیت شورایی یا سیستم کمونال:

حاکمیت شورایی، یا سیستم خود مدیریتی روژ آوا، بر چند پایه استوار است که بدون ارزیابی از نکات منفی و مثبتشان آنها را در اینجا مورد اشاره قرار میدهم:

۱ - دموکراسی از پائین (یا دموکراسی مشارکتی) که به اتکای "مشور قرارداد اجتماعی" خود مدیریتی در (روژ آوا) و از طریق کمون ها، شورا ها و کانتون ها اعمال می شود. مدیریت مردمی ایجاد شده، حاکمیتی دائماً در جریان است.

۲ - محافظت از محیط زیست.

۳ - تلاش در جهت برقراری برابری حقوق زن و مرد با استفاده از نخله ای از فمینیسم، با اتکا به قانون حقوق پایه ای زنان و بیاری آموزش، تشکلات مدنی و نظامی زنان.

➔ روشن می گردد.

در پرتو برآمدها و اعتصابات کارگری است که کارگران نیاز به متشکل شدن در شکل های طبقاتی و سراسری را با پوست و گوشت خود احساس می کنند. از اینرو، تجمعات و اعتصابات کارگری زمینه ی بسیار مناسبی را برای امر تشکل یابی طبقه ی کارگر فراهم می آورند، زیرا سازمانیابی طبقاتی و سراسری کارگران اساساً ثمره ی پیکارهای بی وقفه ی کارگری است. به عبارت دیگر تشکل یابی طبقه ی کارگر رابطه ی مستقیم و تنگاتنگی با چالش های کارگری دارد و هیچگاه این امر در خلاء مادیت نخواهد یافت. در همان دوره ی قیام ۱۳۵۷ شمسی که اعتصاب سراسری در شمار زیادی از مراکز و محیط های کارگری صورت پذیرفت، کمیته های اعتصاب از کارگران مبارز و پیشرو تشکیل شد. آن کمیته ها از دل محافل کارگران پیشرو بوجود آمدند که خود آن محافل کارگری یگانه شکل سازمانیابی مستقل کارگران کشور در آن مقطع بودند. با نگاه به این تاریخ برای ما مسجل می گردد که اعتصابات سراسری پیش از قیام و انقلاب ۵۷ آزمون بزرگ و با ارزش متشکل و متحد شدن طبقه ی کارگر، و عرصه ی بروز ابتکارات انقلابی و بسط آگاهی طبقاتی و سیاسی کارگران بشمار می آیند.

نکته ی آخر اینکه، در دل این زور آزمایی ها، کوشش کارگران کمونیست و پیشروان رادیکال کارگری در راستای انتقال آگاهی بدرون توده های کارگر، و نیز فعالیت های تبلیغی و ترویجی ایشان در ارتباط با ضرورت «حزب یابی کمونیستی طبقه ی کارگر» بهتر و سریع تر به بار می نشینند.*

قدر مسلم این آگاهی گام مهمی بسمت شناخت و فهم اقتصاد سیاسی، و آماده شدن کارگران برای در پیش گرفتن مبارزه ای انقلابی و آشتی ناپذیر تا رهایی از ستم و استثمار طبقاتی است.

۱۲/۲۷/۲۰۱۶

• لنین در رابطه با ضرورت بردن آگاهی به میان توده های کارگر به توسط عناصر کمونیست در کتاب چه باید کرد چنین نوشت: «ما گفتیم که آگاهی سوسیال دموکراتیک در کارگران اصولاً نمی توانست وجود داشته باشد. این آگاهی فقط از خارج ممکن بود وارد شود. تاریخ تمام کشورها گواهی میدهد که طبقه ی کارگر با قوای خود منحصرأ می تواند آگاهی تردیونیونیستی حاصل نماید، یعنی اعتقاد حاصل کند که باید تشکیل اتحادیه بدهد، بر ضد کارفرمایان مبارزه کند، و دولت را مجبور به صدور قوانینی بنماید که برای کارگران لازم است، و غیره. ولی آموزش سوسیالیسم از آن تنوریهای فلسفی، تاریخی و اقتصادی نشو و نما یافته است که نمایندگان دانشور طبقات دارا و روشنفکران تتبع نموده اند.»

دولت ترکیه معتقد است که (پ ی د) بخشی از (پ ک ک) و (ی پ گ) نیروی نظامی (ی پ د) می باشد و هر پیروزی نظامی آن سیستم کمونال در روژآوا را تقویت کرده و آثار الهامبخش آن در میان کردهای ترکیه محسوس تر خواهد شد. فرماندهان نظامی آمریکا که برای شکست داعش هیچ امکانی جز همکاری با (ی پ گ) ندارند در حال حاضر و طی عملیات هانمی توانند این ترس دولت ترکیه را به حساب آورند. به نظر می رسد دولت آمریکا بر این تصور است که پس از شکست داعش سیستم کمونال و (ی پ گ) این قابلیت را دارند که از درون انحطاط پیدا کنند و بارها این را به دولت ترکیه یادآوری کرده اند.

گرایشات:

همانطور که اشاره شد در برابر موقعیت و موضعگیریهای دولت آمریکا دو دیدگاه و گرایش در میان مسئولین و فرماندهان در روژآوا دیده میشود که میشود آنها را گرایش راست و چپ خواند. می شود گرایشی که رابطه با آمریکا را "تاکتیکی" ارزیابی میکند "چپ" نامید و گرایشی که این مناسبات را "استراتژیک" می پندارد "راست" خواند.

۱ - صاحبان گرایش چپ، که شخصا از مسئولین و فعالین اصلی سیستم خود مدیریتی دموکراتیک می باشند، فعالانه از ارگان های حاکمیت مردمی، سازمان ها و سازمان دهی ها، اقدامات و موضعگیری های منتهی به تقویت ارگان های گوناگون کانتون ها دفاع میکنند. این گرایش از سیستم شورایی، از اقتصادی مختلط با اولویت بخشی بر اقتصاد تعاونی، از همکاری برابر اقلیت ها و همزیستی انسانی آنها با همدیگر، از برابری زنان و سایر دستاوردهای سیستم کمونال به طرز جنانانه دفاع کرده و در جهت تکامل و تقویت آن کوشیده و میکوشند. به عبارت درستتر علیرغم فشارهای جنایتکارانه دولت ترکیه، تضییقات حزب دموکراتیک کردستان عراق (پارتی)، کارشکنی های نیروهای انکسه، که پیرو (پارتی) هستند، و مخالفت کلیه دولت ها (از جمله آمریکا) با حاکمیت شورایی روژآوا، این سیستم به همت فعالین گرایش "چپ" و با اتکا به مردم سرپا مانده و پایه های آن و دانش و بیش ساکنان کردستان تقویت شده اند. گرایش چپ متعلق به کسانیست که ضمن تایید همکاری و ائتلاف تاکتیکی با آمریکا از یک زاویه ضد سرمایه داری و ضد امپریالیستی (به تعبیری که خود از آن دارند) میکوشند این گرایش را در سیستم خود مدیریتی تقویت کنند. این

است که مشابه حاکمیت در کردستان عراق باشد.

امور نظامی:

اهداف مشترک نظامی بین (ی پ گ) و (نیروهای سوریه دموکراتیک) و نیروهای ائتلاف به سرکردگی دولت آمریکا همکاری هایی را بین کانتون ها و ائتلاف بوجود آورده است. گرچه مقامات اصلی نظامی همیشه بر همکاری نظامی مفید این نیروها علیه داعش تاکید کرده اند. اما در عمل زیاده خواهی های کاربدستان نیروهای مسلح آمریکا از این نیروها گزارش شده است. اما دارندگان گرایش چپ در مقابل این زیاده خواهیها مقاومت کرده اند. برای نمونه آشتون کارتر، وزیر دفاع در یک اظهار نظر پیچیدگی اوضاع را به رسمیت شناخته و به شیوه ای غیر مستقیم با وجود اشکالی از حاکمیت توده ای تفاهم نشان داده است. او در مارس ۲۰۱۶ و پس از اعلام فدراسیون شمال سوریه - روژآوا (ی پ گ) را ستود، زیرا "ثابت کرده اند در جنگ زمینی علیه داعش همدستی عالی برای ما هستند. ما به این خاطر سپاسگزاریم و قصد داریم ضمن تداوم این سپاسگزاری پیچیدگی نقش منطقه ای آنها را به رسمیت بشناسیم." (۴)

ولی اعتراف به پیچیدگی اوضاع از جانب وزیر دفاع آمریکا هیچ مسئولیت سیاسی برای دولت آمریکا ایجاد نمیکند و جلوی زیاده خواهی های مقامات نظامی را نگرفته است. نباید فراموش کرد که وزارتخارجہ آمریکا، که مرجع رسمی مناسبات بین المللی است. همزمان با سخنان وزیر دفاع به حزب اتحاد دموکراتیک، (پ ی ی) و رئیس مشترک آن صالح مسلم، اجازه داده نشد در کنفرانس ژنو شرکت کند.

این موضع دوگانه دولت آمریکا را در رابطه با دولت ترکیه و حاکمیت کمونال در روژآوا دچار بند بازی سیاسی کرده است. این بندبازی به گرایش راست، یعنی طرفداران تکیه کامل به دولت آمریکا در روژآوا، امکان داده تا مناسبات با این کشور را استراتژیک بخوانند. آنها این اظهار نظر ترامپ را هم به نفع خود تفسیر کردند که در تبلیغات انتخاباتی گفت: "کردها جنگجویانی خوب هستند که نسبت به آمریکا وفادارند. پس باید از آنها استفاده (تاکید از نویسنده) کرد و مسلحشان نمود." طبعاً کسی که این اظهار نظر را در دهان ترامپ گذاشته پیشمرگان کردستان عراق را مد نظر داشته است. در مقابل صاحبان گرایشی که رابطه با آمریکا را تاکتیکی میدانند دچار اینگونه خودفریبی ها نیستند.

کوبانی توسط داعش در اواسط سپتامبر ۲۰۱۴ با نیروهای ائتلاف به سرکردگی دولت آمریکا وارد سطح معینی از همکاری های نظامی شد. پس از اینکه پشتیبانی از مقاومت قهرمانانه مردان و بویژه زنان متشکل در (ی پ گ) و (ی پ ژ) در کشورهای مختلف وسعت گرفت وزارت دفاع آمریکا به نیروی هوایی این کشور در اکتبر ۲۰۱۴ اجازه داد با گریلاها مشترکاً به عملیات بپردازند. پوشش هوایی آمریکا، که در ابتدا چندان موثر هم نبود مخالفت سرسختانه دولت ترکیه را برانگیخت و سبب شد تا دولت آمریکا تاکید کند که این همکاری موقت بوده و به معنای شناسایی حاکمیت کمونال در روژآوا نیست. مقامات مقامات آمریکایی پس از اعلام فدرالیسم غیر قومی و دموکراتیک برای روژآوا و مناطق آزاد شده در شمال سوریه در مارس ۲۰۱۶ مخالفت خود با حتی هرگونه حکومت فدرالی در سوریه را اعلام کردند. برای نمونه: رادیو فرانسه در ۱۵-۰۷-۲۰۱۵ خبر داد "جان آلن" هماهنگ کننده ائتلاف بین المللی ضد داعش در منطقه، ضمن اعلام مخالفت دولت متبوع خود با تشکیل دولت خودمختار در شمال سوریه گفت: "این مهم است، یک شریک که به جنگ با داعش کمک کرده است نباید به قدرت اشغالگر (تاکید از نویسنده است). تبدیل شود".

مارک سی تونر، قائم مقام سخنگوی وزارت امور خارجه، در ۷ نوامبر ۲۰۱۶ در پاسخ به پرسشی پیرامون فدرالیزه کردن سوریه گفت: "ما نمی خواهیم ببینیم هیچگونه فدرالیسم یا سیستم فدرالیستی ظهور کند که برای اهداف خاصی درست شده باشد. ما نمی خواهیم مناطق نیمه خود مختار ببینیم. واقعیت اینست که پس از رهایی یک خطه از سلطه داعش باید نوعی حاکمیت به این مناطق بازگردد، اما این به هیچوجه نباید، همانطوری که گفتم، مناطقی نیمه خود مختاری باشد که برای منظور خاصی در شمال سوریه ایجاد شده است." (۳)

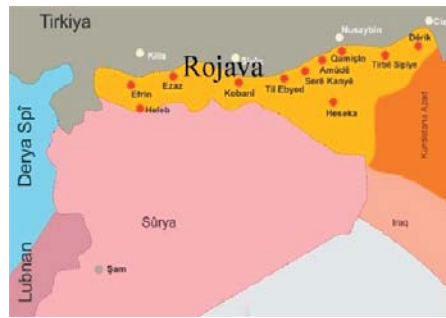
این اظهارات توسط نمایندگان کشوری بیان شده که خود حکومت فدرالی دارند و همان را برای سایر کشورهای کثیر المله (نظیر عراق) تجویز کرده اند. اما باید توجه داشت که در آمریکا حکومت فدرالی متکی به پارلماناریسم برقرار است، اما در اینجا این امید هست که فدرالیسم متکی به شوراهای مردم ایجاد شود. گزارشاتی که از جلسات خصوصی نمایندگان دولت آمریکا با نمایندگان کانتون ها و (ی پ گ) درز کرده حاکی است که دولت آمریکا خواهان شکل حاکمیتی در کردستان سوریه

دستورات شورای نظامی ۵۵ نفره اداره کننده آن در عملیات های نظامی تا آنجا که ممکن باشد تلاش میکنند اهداف خود را به طور مستقل عملی کنند. برای مثال وقتی حکومت ترکیه رفتن (ی پ گ) به غرب فرات را "عبور از خط قرمز" اعلام کرد. "نیروهای دموکراتیک سوریه"، که (ی پ گ) نیروی اصلی و سازمانده آنست، با نادیده گرفتن هشدار ترکیه در ۲۶ دسامبر ۲۰۱۵ سد استراتژیک تشرین و سپس شهر تشرین در غرب فرات را از تصرف داعش خارج کردند و پس از آن به طرف شهر منبج حرکت نمودند. گریلاها در ۱۲ آگوست ۲۰۱۶ (۲۲ مرداد ۹۵) پس از ۷۳ روز نبرد شجاعانه شهر منبج را نیز از دست داعش خارج کردند. این بار جو بایدن، که برای تایید تجاوز ترکیه به سوریه به آنکارا سفر کرده بود، در تاریخ ۲۴ آگوست شخصا به نیروهای دموکراتیک سوریه اخطار کرد که باید از منبج و غرب فرات خارج شده و به شرق رودخانه برگردند. اما نیروهای دموکراتیک سوریه و از جمله (ی پ گ) تا اتمام آموزش اعضای نیروهای مسلح تحت رهبری شورای شهر از خروج از منبج خودداری کردند، سپس به شرطی نیروهایشان را، سه ماه پس از اخطار، برای تقویت تصرف رقه فرستادند که آمریکا قول داد از حمله نیروهای متجاوز ترکیه و نیروی تحت سلطه آن یعنی "ارتش ازاد سوری" به منبج جلوگیری کند. وقتی ارتش ترکیه به این قول پایبندی نشان نداد (ی پ گ) و نیروهای دموکراتیک سوریه یگان های خود را برای مقابله با متجاوزین برگرداندند و آنها را به عقب راندند. (۱۱) ارتش ترکیه پس از شکست در این عرصه تجاوزات خود را متوقف کرده است.

پاورقی ها:

(۱) "یگان های مدافع خلق" یا "یه کینه کانی پاراستنی گه ل (ی پ گ)" نیروی نظامی مدافع روژآوا است. این نیرو در حال حاضر در هر سه کانتون جزیره، کوبانی و عفرین تحت امر وزارت دفاع کانتون ها قرار دارد. (ی پ گ) به عنوان یک چتر سازمانی قانونا تمام واحد های نظامی مربوط به زنان (ی پ ژ)، اقلیت ها و بریگاد بین المللی را پوشش می دهد. (ی پ گ) به طور ویژه به نیروهای مسلح مردان روژآوا نیز اطلاق می شود.

(۲) Foreign relations of Rojava
- From Wikipedia, the free encyclopedia



الدار خلیل، رهبر مشترک "تف دم (Tev Dem)" در مصاحبه با فهیم تاشکین، که در تاریخ ۱۵ مارس ۲۰۱۶ روی سایت (Rojava Report) گذاشته شد راجع به مناسبات با دولت آمریکا مسایل قابل توجهی را بیان میکند که به آنها اشاره می شود:

"آمریکا مثل ما فکر نمی کند و خط سیاسی ما آنها را خوشحال نمی کند. آنها با ما راه آمده اند چون هیچ گروه سازمانیافته دیگری در سوریه سراغ ندارند (به آنها متکی شوند)."

"پارسال آمریکا میخواست ما به پیشمرگانی که بارزانی آموزش داده (منظور انکسه است. نویسنده) اجازه ورود به روژآوا بدهیم. رد کردیم." (۸)

"ما برای خودمان کار میکنیم و نه هیچکس دیگری." (۹)

نمونه دیگر:

آسیه عبدالله، رئیس مشترک (پ ی د) در گفتگو با زانیار عمرانی. (۱۰)

اخیرا با آمریکا مذاکرات مستقیمی داشته اید که البته واکنش تند ترکیه را به همراه داشت. آمریکا پ.ک.ک را گروهی تروریستی می داند، رابطه شما با آمریکا چگونه است؟

آمریکا پ.ی.د را تروریست نمی داند. این هم البته رسما از سوی وزارت امور خارجه آن کشور اعلام شده است. بله درست است، دیدارهایی رسمی میان ما و آنها صورت گرفته است و این دیدارها در آینده هم ادامه خواهد داشت.

پس از این کمک ها، چنانچه طرف مقابل، مثلا آمریکا، درخواستی مطرح کند که با بنیان خودمدیریتی دموکراتیک شما در تناقض باشد، واکنش شما چه خواهد بود؟

مذاکره و دیدارهای ما با طرفهای مختلف بر مبنای مبارزه مشترک صورت می گیرد. اگر طرفی که با او وارد مذاکره می شویم بخواهد در امور سیاسی ما دخالت کند، این دیگر مذاکره نخواهد بود. در حال حاضر مبارزه ای مشترک علیه داعش در جریان است."

گرایش چپ در عرصه نظامی نیز خود را به عیان نشان می دهد. اینهم نمونه هایش: فرماندهان عالی (ی پ گ) به پیروی از

گرایش ضمن تایید پیوستن تاکتیکی (ی پ گ) به ائتلاف به رهبری آمریکا خواستار حفظ ارتباط بر پایه منافع سیستم شورایی با روسیه نیز می باشند. آنها اعتقادات خود راجع به ماهیت امپریالیستی آمریکا را علنا و یا از طریق عملکردها بیان می کنند. به عبارت روشنتر کسانی که دارای مسئولیت های حساس نیستند بی محابا ماهیت آمریکا را مورد انتقاد قرار می دهند. نمونه این کسان فراوانند و من در پاورقی به چند نمونه تیبیک اشاره میکنم. (۵)

اما صاحبان موقعیت های حساس در کانتون ها و "تف دم" ضمن بیان "معقول" تفاوت های منافع آمریکا و سیستم خودمدیریتی روژآوا و پای فشردن بر حفظ این مدیریت و تقویت و گسترده کردن آن از انتقاد صریح و علنی از آمریکا خودداری میکنند. آنها در همانحال از بیان اعتقادات خود پیرامون ماهیت دولت آمریکا (به شیوه ای قابل درک) و دفاع آشکار از حاکمیت شورایی کوتاه نمی آیند. برای نمونه به نکته زیر توجه کنید: صالح مسلم، رهبر مشترک حزب اتحاد دموکراتیک (PYD) در دوم سپتامبر ۲۰۱۵ با انستیتوی کردستان واشینگتن (WKI) مصاحبه ای انجام داد. در آنجا از وی نقل شد:

"آمریکا یک قدرت برتر جهانی است که دموکراسی را در سراسر جهان تقویت می کند و سعی در ایجاد و گسترش آن در سراسر جهان دارد."

بهرام رحمانی در ۱۵ اوت ۲۰۱۶ نوشت (۶):
"هنگامی که این مطلب را خواندم دچار شگفتی و نگرانی شدید شدم از این رو، تلاش کردم با خود رفیق صالح تماس بگیرم. تا که امروز صبح "دوشنبه ۱۵ اوت" موفق شدم در روژآوا (کردستان سوریه) با وی تماس بگیرم. جواب ایشان درباره این گفتگو، صریحا این بود که: "چنین گفتگویی نداشته و چنین نظری هم ندارد."

بیان صالح مسلم که تحریف شده بود به صورت زیر است: صالح مسلم در جواب: "پیغام شما به مردم آمریکا و دولتشان چیست؟" گفته بود:

"پیغام من به دولت و مردم آمریکا این است که مردمان کردی در خاور میانه هستند که سعی در حفظ وجود خودشان و محکم کردن همان حقوق دموکراتیکی دارند که مردم آمریکا (تاکید از نویسنده است) به آن معتقدند. این مردم کرد قادر به پیروزی بر نیروهای تروریست و متعصبی شدند که ارزش های انسانی را تهدید میکردند." (۷)
نمونه دیگر:

جهان امروز

نشریه سیاسی
حزب کمونیست ایران

۱۵ روز یک بار منتشر می شود!

سر دبیر: هلمت احمدیان

زیر نظر هئیت تحریریه

اگر مایلید جهان امروز را از طریق
پست الکترونیکی دریافت دارید، آدرس
خود را برای ما ارسال کنید.

halmatean@hotmail.com

* جهان امروز تنها مطالبی که صرفاً
برای این نشریه ارسال شده باشد را
چاپ می کند.* استفاده از مطالب جهان امروز با
ذکر ماخذ آزاد است.* مسئولیت مطالب جهان - نشریه
است.* جهان امروز در ویرایش و کوتاه
کردن مطالب رسیده آزاد است. این
امر قبل از چاپ به اطلاع نویسنده
می رسد.* مطالب جهان امروز با برنامه
"ورد فارسی" تایپ می شود و
حداکثر سقف مطالب ارسالی سه
صفحه ۴ با سایز ۱۲ است.تماس با
کمیته تشکیلات دلال کشور
حزب کمونیست ایران

h.falain@gmail.com

تلفن، فکس و پیامگیر

۰۰۴۵۹۷۵۲۱۵۵۱

۰۰۶۱۷۳۷۲۷۶۷۶۹

۰۰۶۱۸۷۱۰۸۵۲۵

تماس با کمیته تشکیلات

takesh.komalah@gmail.com

مردم دفاع کنیم."

سیحان کندال در ادامه اظهار نظر می کند:

"ما به لحاظ نظامی با آمریکا همکاری داریم، اما به لحاظ ایدئولوژیکی دشمن هم هستیم. آمریکا پیشآهنگ سیستم سرمایه داری و ما پرچمدار یک نیروی آلترناتیو هستیم. این دشمنی نه امروز و یا فردا، اما روزی در آینده به جلو صحنه رانده خواهد شد."

Interview with YPG Commander
Cihan Kendal (۱) - by a British YPG
International fighter - August ۲۰۱۶(۶) صالح مسلم: «من چنین گفتگویی نداشتم!»
رفیق بهرام این توضیح را روی چند سایت پست
کرده است.

(۷) همان

(۸) شورای ملی کرد که به انکسه (Encûmena)
(Nistimanî ya Kurdî li Sûriyê , ENKS)شهرت دارد ائتلافی است از چند حزب که از
جانب حزب دموکرات کردستان عراق (پارتی)
حمایت می شوند. آنها سیستم شورایی را به
رسمیت نمی شناسند و میخواهند فدرالیسم
پارلمانی (نظیر کردستان عراق) در روژآوا حاکم
شود. آنها به کمک (پارتی) یک نیروی مسلح ۴
تا ۶ هزار نفره در کردستان عراق را سازمان داده
و میخواهند انرا وارد روژآوا نموده و مستقلاً عمل
کنند. طبق قانون کانتون ها همه نیروهای مسلح
باید ضمن حفظ تشکیلات و استقلال خویش زیر
چتر سازمانی (ی پ گ) قرار گیرند و سران انکسه
کانتون ها و قوانینش را به رسمیت نمی شناسند،
هیچ با آن دشمنی نیز میکنند. مسئولین (ی پ گ)
به دلیل وجود خطر جنگ داخلی (نظیر جنگ بین
پارتی و اتحادیه میهنی (یه کیه تی) در ۱۹۹۴)
این قانون را ضروری میدانند. مسئولین انکسه که
این قانون را به رسمیت نمی شناسند میخواهند
نیروی مسلحشان در خارج چارت سازمانی (ی پ
گ) قرار گیرد و به این ترتیب به کردستان سوریه
برگردد، که ممکن نمی شود.What Is The Kurdish Calculation (۹)
?In Rojava(۱۰) مصاحبه با آسیه عبدالله رئیس مشترک پ ی
د / گفتگو از: زانیار عمرانی، شهر کوبانی - آبان
۱۳۹۳، ۱۰U.S. told Syrian Kurdish forces (۱۱)
not to cross Euphrates: Biden,
Almonitor, ۲۵ August ۲۰۱۶Same:DeputySpokesperson,(۳) ⇨
Daily Press Briefing
November ۷, ۲۰۱۶

Foreign relations of Rojava (۴)

(۵) الف: نه، این یک انقلاب واقعی است
دیوید گریبر و پینار اوغونچ

ترجمه: شمال میرزا

گریبر استاد انسان شناسی دانشکده اقتصاد لندن و
یک فعال آنارشیست است. او در ماه اکتبر ۲۰۱۴،
یک هفته بعد از حمله داعش به کوبانی، مقاله ای
را برای روزنامه گاردین نوشته بود، او نوشت:
"این واقعیت دارد که قدرتهای آمریکایی و اروپایی
هر کاری که از دستشان بر بیاید برای برانداختن
انقلاب انجام میدهند. آنها بدون اینکه ما بگویم
این کار را میکنند. کسانی که من با آنها صحبت
میکردم همه این را میدانستند. اما آنها فرقی بزرگی
بین رهبریت قدرت های منطقه ای مثل ترکیه،
ایران و عربستان سعودی با قدرت های اروپایی و
آمریکایی مانند فرانسه و ایالات متحده نمی بینند."(۵) ب: سیحان کندال Cihan Kendal (نام
مستعار) یکی از فرماندهان (ی پ گ) است
که ۱۵ نفر از گریلاها را فرماندهی میکند. او
آنارشیستی زاده آلمان می باشد و ظاهراً چپ ترین
گرایش در صفوف (ی پ گ) را نمایندگی می
کند. مواضع او به دلیل جوانی (۲۵ سال) و حضور
کوتاه مدت در روژآوا نمی تواند شخصا نمایانگر
مواضعی توده ای باشد، ولی اطلاعاتی که می دهد
گرایشات توده ای را بیان میکند. سیحان در یک
مصاحبه پیرامون مناسبات روژآوا و آمریکا (ویران
کننده افغانستان، عراق و لیبی)، میگوید:"اگر بیانیه های نهادهای گوناگون نظیر حزب اتحاد
دموکراتیک (پ ی د)، تف دم Tev - Dem و
جنبش زنان را ببینید، درمی یابید که در روژآوا همه
به خوبی منافع آمریکا در سوریه را می شناسند.
... نقش دولت آمریکا در ایجاد داعش و جبهه
النصره کمتر از ویران کردن عراق نیست. روابط ما
با این دولت علنی و رسمی بوده و تماماً تاکتیکی
است."سیحان نظرات شخصی خود پیرامون مناسبات با
آمریکا را چنین توضیح می دهد:"آمریکایی ها میخواهند از ما استفاده کنند و ما تلاش
میکنیم بهترین دستاورد را از این همکاری ببریم.
ماباید این کار را بکنیم. ما دشمنان بسیار داریم
و باید از خودمان دفاع کنیم. این یک ضرورت
عملی و سیاسی برای ماست تا جای متوازن خود
در میان اینهمه بازیگر بزرگ، که منافع در سوریه
را دارند، بیابیم. ما در این میانه میکوشیم از منافع

بازسازی ماشین نظامی حکومت اسلامی اضطراری در هراس

در چند ماهه‌ی گذشته، جابه‌جایی‌های بی‌سابقه و شتابزده‌ای در ساختار ابزار نظامی حکومتی جمهوری اسلامی یعنی سپاه و ارتش، آغاز شده است. روند برکناری و تغییر ساختاری به فرماندهی این دو ابزار سرکوب و ضدمردمی پایان نمی‌گیرد، بلکه تا بدنه و زیرفرماندهی‌های این ماشین سرکوب نیز شدت و گسترش یافته است. در این بازسازی، مهره‌های کارگزار در فرماندهی‌ها و بدنه، برکنار یا به قرارگاه‌ها و مسئولیت‌های دیگری جابجا می‌شوند، ساختارها درهم می‌ریزند، ستادهای جدیدی برقرار و در تمامی پیکره‌ی این دستگاه سرکوب، سوخت و سازهای شتابزده‌ای صورت می‌گیرد. این چیدمان‌ها، گذشته از این‌که بیانگر شدت‌یابی اختلاف درون باندی، تناقض‌های ماشین نظامی و فرسودگی حاکمیت فساد باشند، نیازهای ضروری و فوریت‌ها و شرایط بحران‌های سیاسی و اقتصادی کنونی را به نمایش می‌گذارند و نشانه‌ی تلاشی اضطراری است برای کنترل شرایط و حفظ قدرت سیاسی.

دو ارتش متناقض

حکومت اسلامی تنها حاکمیت طبقاتی است که دارای دو ارتش متناقض هم برای جنگ داخلی و سرکوب است. حکومت اسلامی، ارتش کلاسیک بازمانده و بازسازی شده از حکومت سلطنتی را هنوز پس از ۳۸ سال نتوانسته به دلخواه و همخوان با بافت و باورها و نیازهای خویش به ساختاری دلخواه و ایدئولوژیک درآورد. ماشین نظامی ایدئولوژیک سپاه پاسداران شکل گرفته از فدای سرنگونی شاه که بزرگترین بخش‌های اقتصاد کلیدی در خاورمیانه را به مالکیت خود درآورده نیز غرق در فساد و اختلاف‌های درونی است. با نگاهی به جابجایی‌های اخیر و از لابلای نشت‌های کلامی رهبری و کارگزاران حکومت باندها، این تصویر را آشکارتر می‌یابیم. محمدعلی جعفری فرمانده کل سپاه پاسداران هفته اول تیرماه ۹۵ در جمع فرماندهان میانی این نیرو از انجام تغییرات ساختاری جدیدی در سپاه و تشکیل ۳۱ سپاه استانی خبر داد. با ادغام بسیج و لشکرهای نیروی زمینی سپاه، ۳۰ سپاه استانی برای ۲۰ استان کشور تشکیل می‌شود، و برای کلان شهر تهران نیز، سپاهی ویژه به نام «سپاه محمد رسول الله» در جریان است.

محمدعلی جعفری که از بنیانگذاران گردان‌های ضد شورش «عاشورا» و «الزهرا» است و تجربه‌ی سرکوب و کشتار خیزش‌های شهری را در پرونده دارد، بارها به ضرورت آمادگی دائمی برای «جنگ نامتقارن و نامنظم»، یعنی جنگ داخلی، منطقه‌ای و سرکوب خیزش‌ها و قیام‌های اجتماعی و جنبش کارگری گلو دریده است.

«مقاومت متحرک»

یا بیم قیام‌های متحرک!

هراس حکومت اسلامی از شعله‌ور شدن خیزش‌هاست که «مقاومت متحرک» را با بازسازی و آماده‌باش نیروی سرکوب دردستور کارخویش قرار داده است. این‌ها همه نشانه‌هایی از پیش‌بینی حکومتگران در حتمی بودن خیزش و قیام‌ها را آینده آماده‌ی فوران و سراسری در جامعه‌ای هستند که همه روزه و همه‌ی گوشه‌های آن سرشار از اعتراض و خشم و فریاد است. این تدارکات، از یک بازسازی گسترده و بی‌سابقه، همراه با برکناری و جابجایی و تنظیمات جدید پرده برمی‌دارد. در پی این خبر، فرماندهان «لشکر علی بن ابیطالب» قم برکنار و فرماندهان جدیدی جایگزین شدند. کمتر از یک روز پس از اعلام خبر ایجاد تغییرات ساختاری در سپاه، خبرگزاری فارس (رسانه‌ی خبری سپاه) از تشکیل نخستین سپاه استانی کشور به نام «سپاه عاشورایی» در استان آذربایجان شرقی خبر داد. سرپاسدار، محمد جعفر اسدی، جانشین بازرسی فرماندهی کل سپاه به عنوان «نماینده ویژه» فرمانده سپاه در این مراسم، تقی اصانلو را برای فرمانده سپاه عاشورایی استان آذربایجان شرقی معرفی کرد. سپاه عاشورایی، همانند سپاه عاشورای تهران بزرگ، متخصص جنگ‌های داخلی و مقابله با خیزش‌های مردمی است. محمد حجازی، معاون فرماندهی سپاه پاسداران و نماینده خامنه‌ای در مراسم در کرج، علی فضل‌ی، معاون سابق عملیات فرمانده کل سپاه پاسداران را فرمانده سپاه «سیدالشهدای» استان تهران، و مرتضی شانه ساز زاده، فرمانده پیشین منطقه مقاومت بسیج استان تهران را نیز جانشین فرمانده «سپاه سیدالشهدای» استان تهران معرفی کرد. به گزارش حجازی، تغییرات فرماندهان سپاه در تمامی استان‌ها در یک هفته انجام می‌گرفت. خبرگزاری فارس، پیش‌تر از حسین همدانی در

استان گیلان به عنوان «نماینده ویژه فرمانده کل سپاه» نام برده بود. همدانی، همان فرماندهی بود که در سوریه به فرماندهی جنگ نیابتی فرستاده شد و از پای درآمد. در هشتم تیرماه، نظرعلی علیزاده را به عنوان جانشین فرمانده سپاه قدس گیلان معرفی کرد، و هامون محمدی، فرمانده پیشین این لشکر از سمت خود برکنار شد. این برکناری‌ها و جایگزینی‌ها، و تغییرات، بازسازی ماشین سرکوب دچار بحران است و «تقویت سرپنجه‌های سپاه» در تمامی پایگاه، حوزه، نواحی مقاومت، گردان‌های رزمی و تیپ‌ها، ضروری شده است و «تدابیر مهمی» در داخل سازمان ساختار سپاه: «حفظ وحدت و در یک صف حرکت کردن نیروها» در میان است و این چاره جویی را از زبان رهبری اعلام کردند: «بنا به سفارش مقام معظم رهبری مبنی بر تقویت سرپنجه‌های سپاه شامل پایگاه، حوزه، نواحی مقاومت، گردان‌های رزمی و تیپ‌ها، تدابیر مهمی در داخل سازمان ساختار سپاه به وجود خواهد آمد».

در قم نیز حجت اسلام، حسن طائب، معاون سرپاسدار نقدی در فرماندهی بسیج، این همقطار مجتبی خامنه‌ای در کشتارهای به ویژه سال ۸۸ «نوری» را به عنوان فرمانده «سپاه علی بن ابیطالب» استان قم اعلام کرد و موسوی نسب فرمانده سابق این لشکر از سمت خود برکنار شد. در لرستان، تیمورسپهوند، فرمانده پیشین بسیج این استان، برکنار شد، و محمد شاهرخی به جای او نشانیده شد و «حجت الاسلام علیرضا کرمی» نیز به عنوان نماینده ولی فقیه در بسیج این استان معرفی شد. در استان قزوین نیز «سرتیپ دوم پاسدار سالار آبنوش»، به نام فرمانده ارشد سپاه این استان معرفی شد و «سردار جباری» فرمانده سابق «سپاه صاحب الامر» قزوین، برکنار شد. در روزهای اخیر فرماندهان «لشکر سیدالشهدای» تهران، «تیپ جواد الائمه» خراسان شمالی، لشکر ۳۱ عاشورای تبریز، لشکر ۱۶ قدس گیلان، «لشکر صاحب الامر» قزوین و «لشکر علی بن ابیطالب» قم از سمت‌های خود برکنار و فرماندهان جدیدی جایگزین آنان شدند. سرتیپ پاسدار نورعلی شوشتری به نمایندگی از فرمانده سپاه، علی میرزاپور را به‌عنوان فرمانده جدید سپاه پاسداران خراسان شمالی معرفی کرد. حسینعلی

یوسف عزیززاده، فرمانده پیشین «لشکر جوادالائمه» خراسان شمالی را جانشین فرمانده جدید اعلام شد.

«تغییرات ساختاری»

جعفری همان روز ۷ تیر (۹۵)، ضرورت این تغییرات را «افزایش تعامل بین نیروی زمینی سپاه و نیروی بسیج عنوان کرد و گفت: «با فعال شدن ۳۱ سپاه در استان های کشور، تعامل بین نیروی زمینی و نیروی مقاومت بسیج تقویت شده و آمادگی و توانمندی های یگان های رزم و گردان های بسیج در صحنه مأموریت های سپاه بیش از پیش ارتقاء خواهد یافت.» وی این ضرورت را «تغییرات ساختاری» نامید، و بر نکاتی همانند «ارتباط قویتر بسیج با بدنه رزم سپاه، ایجاد انسجام، یکپارچگی و هم افزایی تشکیلاتی سپاه در استان ها، تمرکز زدایی و توسعه اختیارات سپاه های استانی، و تقویت رده های نیروی مقاومت در سراسر کشور» انگشت گذاشت. به طور فشرده، با این پروژه تغییراتی، سپاه پاسداران از لشکرهای پیشین تغییر شکل داده شده و به سپاه های استانی تبدیل می شوند. این خود هراس حکومت را می رساند تا راه کاری باشد برای «استقلال» عمل و سرعت عمل بیشتر در شرایط اضطراری و آمادگی برای واکنش های ضربتی منطقه ای.

درنده ی زنجیری رهبری، سرپاسدار محمدرضا نقدی از فرماندهی بسیج برکنار شد. در هفته بسیج سران سپاه خامنه ای را به صدور این حکم واداشتند: «اگر بسیج وارد عرصه اقتصاد مقاومتی و علم هم شود، اقتصاد مقاومتی و علم نیز مردم سالار خواهند شد.» سرپاسدار جعفری با اشاره به این «تفاهم» با رهبری بود که گفت: «انتظار می رود بسیج در عرصه های مختلف که انصافا با زحمات آقای نقدی تعیین کننده بوده همچنان اثربخش بماند و با اقدامات انقلابی و راه اندازی هیئت های اندیشه ورز که مطالبه مقام معظم رهبری است، اقدامات خود را به سمت اقدامات راهبردی و اثربخش سوق دهد.»

سرپاسدار جعفری، روی به فرمانده مزدور جدید بسیج (غلامحسین غیب پرور) افزود: «انتظار از رئیس جدید سازمان بسیج مستضعفین آن است که روی اقدامات راهبردی و اثربخش متمرکز شود، ... و با توجه به پیچیدگی و نوع فعالیت های گسترده بسیج، ما انتظار داریم نقش بسیج در اقدامات اثرگذار روز به روز بیشتر شود و بسیج در مسیر انقلاب با سرعت بیشتری حرکت کند.» به بیان دیگر به اعتراف فرمانده کل سپاه، به فرماندهی عناصری همانند نقدی ها سرعت دلخواه نداشته و سپاه باید که «روی اقدامات راهبردی و اثربخش متمرکز شود».

بنابراین، جدا از اختلاف میان گرگان نفتینه پوش حکومتی، سخن از «پیچیدگی و نوع فعالیت های گسترده» است که برکناری نقدی را سبب می شود: البته سردار نقدی با انتصاب در معاونت فرهنگی سپاه از بسیج جدا نشده، چرا که مهمترین اقدامات فرهنگی سپاه به معاونت فرهنگی و اجتماعی سپاه محول شده و این معاونت باید در سطح راهبردی اقدامات فرهنگی را دنبال کند.» به راستی که اقدامات فرهنگی شایسته ی سپاه این حکومت جنایتکار را موجودی درنده همانند نقدی را سزااست.

«نفوذ دشمن»

یحیی رحیم صفوی، دستیار و مشاور نظامی علی خامنه ای در پیام تبریک خود به غلامحسین غیب پرور، فرمانده جدید بسیج سپاه نوشت: «انتظارات رهبری در حکم انتصاب جناب عالی خبر از حوادث مهم پیش رو دارد.» و افزود: «نفوذ به یکی از راهبردهای اصلی دشمن در ضربه زدن به اساس جمهوری اسلامی ایران تبدیل شده است.» غلامحسین غیب پرور، آدمکشی است که بیش از ۱۱ سال فرمانده سپاه فجر استان فارس در پست آدمکشی و مزدوری بوده و در خیزش سال ۱۳۸۸ داعش گری خود را در کشتار مردم به ثبوت رسانید. فرمانده کنونی بسیج، مهره ای است برای کاربرد درونی که در ۱۸ آذر ماه سال ۹۴ که به فرمان علی خامنه ای به جای سرپاسدار همدانی فرمانده قرارگاه «حسین» همدانی (۱۸ مهر سال ۹۴ در سوریه کشته شد) جایگزین وی گردیده بود. این قرارگاه، وظیفه تشکیل گردان های «حسین» سپاه پاسداران را عهده دار است. حسین همدانی از اعضا و بنیانگذاران سپاه همدان و کردستان در کنار صیاد شیرازی و قلاچیانها، از همان سال ۵۸ بود. کمتر از یکسال از مسئولیت غیب پرور در پست فرماندهی قرارگاه «حسین» نگذشته بود که با صدور حکمی شتابزده از سوی خامنه ای به جای سرپاسدار محمدرضا نقدی به «رئیس سازمان بسیج و جانشین فرمانده کل سپاه در امور بسیج» نشانیده شد. سرپاسدار محمد شیرازی رئیس دفتر نظامی باند رهبری گفت: «حضرت آقا در خصوص سردار غیب پرور فرموده اند که من ایشان را می شناسم و در سفر به شیراز متوجه شدم که افراد بد اخلاق از وی عصبانی بودند و این نشان از استقامت و صحت مسیر سردار غیب پرور دارد.» غیب پرور، در این انتصاب، همان زبان آدمخواری تمامی سالیان فرماندهی سرکوب در فارس را ادامه داد: «موضع من در برابر فتنه و سران فتنه همان صحبت هایی که قبلا انجام داده ام است.» غیب پرور پیش تر، میرحسین موسوی و مهدی

گرفته تا اروپا و چین و روسیه در برابر دید همه گان است. غیب پرور، همقطار عناصری در باند سپاه است که در درازای سالها سرکوبگری، به یک الیگارشسی سیاسی و اقتصادی مافیایی تبدیل شده و به سان عده ای انگشت شمار، فرمانروایی اقتصادی ایران و مبادلات خارجی و سیاست های ضد انسانی و کلان منطقه ای نیز را در چنگ دارند.

سرلشکر جعفری به ضرورت «ورود بسیج به جنگ نرم» اشاره می کند: «یکی از فرامین مقام معظم رهبری به سپاه، ورود و مقابله با جنگ نرم است که امیدواریم سردار غیب پرور با تجربه خوبی که دارد، در این مهم موفق باشد.»

«تشکیل فرماندهی مستقل موشکی» از دیگر تغییراتی است که با ادغام یگان های موشکی مختلف سپاه در یکدیگر، و تشکیل یک فرماندهی واحد تحت نظر خامنه ای در حال انجام است.

سرلشکری فربه، با مغزی کوچک

در ۸ تیرماه به دستور خامنه ای، «سرلشکر سید حسن آقایی فیروزآبادی» رئیس پیشین ستاد کل نیروهای مسلح پس از ۲۷ سال برکنار و «سردار سرلشکر محمد باقری» یعنی دستیار خویش، به جای او نشانیده شد. محمد باقری و غلامعلی رشید، به ترتیب معاون اطلاعات و معاون عملیات قرارگاه خاتم بودند که پس از تشکیل ستاد کل نیروهای مسلح معاونان حسن فیروزآبادی به شمار می آمدند. بنا به حکم خامنه ای وی اکنون در جایگاه مشاورت عالی فرماندهی کل نیروهای مسلح نشانیده شد. فیروزآبادی، سرانجام، قربانی حماقت های مزمن خویش در حمایت از محمود احمدی نژاد شد. وی میخ شده بر خیمه ولایت بود، اما در جایگاه ولی فقیه نبود. خامنه ای با آنکه مشروعیت ولایتش را نزد پیروان و پایه های خویش در حمایت از احمدی نژاد در سال ۸۸ از دست داده بود، را نمی توانستند برکنار کنند، اما فیروزآبادی را با جرئتقل ولایت فقیه

را می‌شد. فیروزآبادی در مهر ۱۳۸۷
 ↗ آنچنان دل در گرو احمدی نژاد بسته
 بود که خواستار «تدوین اندیشه‌های
 احمدی نژاد» برای «افزودن غنای علمی کشور»
 شده بود: «افکار و اندیشه‌های دکتر احمدی نژاد،
 رئیس جمهور کشورمان دارای جنبه‌های
 راهبردی حائز اهمیت است و لذا وظیفه علما
 و اندیشمندان و اساتید دانشگاه‌ها و به ویژه
 دانشگاه عالی دفاع ملی است که این افکار را
 مدون کنند و به غنای علمی کشور بیفزایند.» او
 در واپسین روزهای ریاست جمهوری احمدی
 نژاد درحالی‌که به شدت با باند بیت رهبری و
 باند اصلی سپاه در گیر شده و درحال خانه
 نشینی بود، روز ۳ اردیبهشت ۱۳۹۲، سخنان
 احمدی نژاد در خوزستان را که اعلام کرده بود
 به او گفته‌اند: «اگر رویت را زیاد کنی، پدرت
 را در می‌آوریم» به شدت واکنش نشان داده
 و گفته بود: «جو سازی مقام محترم رئیس
 جمهوری، آقای دکتر احمدی نژاد در سفر به
 استان خوزستان غیرقابل قبول و مایه تشویش
 اذهان عمومی است.» این بیان، تنها برای کوتاه
 مدت او را از برکناری مصون نمود. فیروزآبادی
 دیگر باید از خیمه رهبری به جای دیگری
 بسته می‌شد. با رویکرد جناح خامنه‌ای به سوی
 باند روحانی - رفسنجانی، فیروزآبادی غافل
 از انتقام جناح - باند سران سپاه، در ۱۷ مرداد
 ۱۳۹۲، چند روز پیش از بررسی کابینه حسن
 روحانی با باند رهبری به این سوی چرخید
 و در مجلس شورای اسلامی، برای اولین بار
 رسماً حمایت خود و نیروهای مسلح از دولت
 را اعلام کرد. این جانبداری نمی‌توانست از
 سوی باند اقتصادی سیاسی و نظامی رقیب،
 نادیده گرفته شود. وی اعلام کرده بود: «باید
 به وجود رئیس جمهوری چون روحانی افتخار
 کنیم و همه همتمان را صرف پشتیبانی از دولت
 نماییم». این سرلشکر فربه، اما کوتاه فکر، روز
 ۱۶ فروردین ۱۳۹۴ و پس از پایان مذاکرات
 لوزان، «موفقیت تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای را به
 رهبر تبریک گفت». اینجا بود که او «هجمه‌ی»
 «اصولگرایان» را علیه خود برانگیخت. سایت
 رجانویز، تربیون باند جبهه پایداری، نوشت «از
 فیروزآبادی انتظار می‌رود» به عنوان نماد قوه
 قاهره نظام» به «بدبینانه ترین زوایای یک توافق
 بین المللی» بپردازد. سرانجام، فیروزآبادی در ۸
 تیر ۱۳۹۵ از سمت ریاست ستاد کل نیروهای
 مسلح برکنار شد. او همچنان عضو ساده‌ی
 «شورای عالی امنیت ملی» است. این ارگان
 نظامی امنیتی، در بردارنده‌ی فرماندهان نظامی
 بوده و مسئولیت رهبری و نظارت بر شاخه‌های
 نظامی و انتظامی را برعهده دارد.

ارتش، زیرفرمان سپاه

در تیرماه، «سرلشکر حسین حسینی سعدی»،
 پیرگرگ فرماندهان ارتش، به سپاه منتقل و به
 جانشینی فرماندهی «قرارگاه مرکزی خاتم‌الانبیاء»
 نشانیده شد. وی هماهنگ کننده‌ی ستاد کل
 نیروهای مسلح و نیز فرماندهی نیروی زمینی
 ارتش جمهوری اسلامی ایران بود. این مزدور،
 چند روز پیش از این حکم بود که، سرلشکر
 غلامعلی رشید، از فرماندهان اصلی سپاه در
 دوران جنگ و کسی که در ۱۷ سال اخیر
 جانشین رئیس ستاد کل نیروهای مسلح بود را
 به فرماندهی این قرارگاه برگزید. در پانزدهم
 تیرماه سال ۱۳۹۵ با حکم خامنه‌ای و تنها
 یک هفته پس از برکناری حسن فیروزآبادی،
 غلامعلی رشید و حسین حسینی سعدی از
 سمت‌های خود در ستاد کل نیروهای مسلح
 جابجا شدند. و به فرمان رهبر در پست فرمانده
 و جانشین قرارگاه مرکزی خاتم‌الانبیاء نشانیده
 شدند. رشید، به همراه یازده فرمانده دیگر
 نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران دارای
 درجه‌ی سرلشکری است. «سرلشکر رشید» در
 حالی به فرماندهی قرارگاه مرکزی خاتم رسید
 که سال‌ها جانشین فرمانده آن یعنی آیت‌الله
 خامنه‌ای بود. سید عبدالرحیم موسوی، جانشین
 فرمانده کل ارتش نیز در حالی با حکم خامنه‌ای،
 جانشین رئیس ستاد کل نیروهای مسلح شد که
 پیش از این، غلامعلی رشید جانشینی ریاست
 این ستاد را به عهده داشت. غلامعلی رشید پس
 از کشته شدن صیاد شیرازی در سال ۱۳۷۸ به
 این سمت نشانیده شده بود و صیاد شیرازی نیز
 در سال ۱۳۷۲ به سمت جانشین رئیس ستاد
 کل نیروهای مسلح منصوب شده بود و ۶ سال
 تا دم مرگ، این وظیفه را بر عهده داشت.
 جابجایی‌ها در قرارگاه پدافند هوایی خاتم
 الانبیاء ارتش نیز ادامه همان تغییراتی است که
 در تغییرهای سپاه انجام می‌گیرد. قرارگاه پدافند
 هوایی خاتم...، یکی از نیروهای چهارگانه
 ارتش جمهوری اسلامی است که در بهمن
 ۱۳۸۷ با جدا شدن از نیروی هوایی ارتش،
 برپا شد. لازم به یادآوری است که دو قرارگاه
 همنام به نام «قرارگاه مرکزی خاتم‌الانبیاء» نیز
 در نیروهای مسلح وجود دارند که یکی در سپاه
 بزرگترین کارتل اقتصادی و مالی خاور میانه
 به شمار می‌آید و دیگری در ارتش، عهده دار
 پدافندی نیروهای مسلح می‌باشد.
 سرپاسدار «حسین نجات» (حسین زیبا نژاد) از
 جمله جابجا شدگانی است که سال ۱۳۷۵ از
 سوی خامنه‌ای به جانشینی رئیس ستاد مشترک
 سپاه نشانیده شده بود. وی معاون فرهنگی و
 اجتماعی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، فرمانده

حفاظت و امنیت سپاه پاسداران و فرمانده سپاه
 ولی امر بود. و در حمله به کوی دانشگاه تهران
 (۱۸ تیر ۱۳۷۸) به همراه سرپاسدار ذوالقدر و
 نقدی در صورت گسترش خیرش دانشجویی
 و پیوستن به مردم در خیابانها، طرح سرکوب
 خونین دانشجویان و کشتار هزاران نفره،
 آمادگی برای به راه انداختن حمام خون و
 برکناری محمد خاتمی رئیس جمهور وقت را
 داشتند. این آمادگی را در نشست (کوثر) داخلی
 فرماندهان سرکوب خیزش دانشجویی ۱۸ تیر
 ۷۸، با انتشار فایل صوتی این نشست بیرونی
 ساختند.

در تازه ترین و نه آخرین جابجایی‌ها، روز
 ۲۵ دسامبر (۲۰۱۶) حسین نجات به جانشینی
 رئیس سازمان اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب
 اسلامی منصوب شد. فرماندهی این ارگان
 حکومتی را «حجت‌الاسلام حسین طائب» از
 بیت رهبری و همقطار محتبی خامنه‌ای بر عهده
 دارد. نجات (زیبایی نژاد) پیش از این معاون
 فرهنگی و اجتماعی فرمانده سپاه بود که به
 محمدرضا نقدی سپرده شد.

در تیرماه ۹۵، غلامعلی رشید با حکم خامنه‌ای
 به فرماندهی قرارگاه خاتم منصوب شده بود و
 حسین حسینی سعدی به جانشین این قرارگاه
 نشانیده شد.

هشتم آذرماه ۹۵ سایت سپاه اعلام کرد
 «حجت‌الاسلام علی سعیدی، نماینده ولی فقیه
 در سپاه، طی حکمی سرهنگ پاسدار رسول
 سنایی‌راد را به سمت معاون سیاسی این نهاد
 منصوب کرد.» سنایی‌راد، به جای علی‌اشرف
 نوری نشست که تنها یک سال در این سمت
 منصوب شده بود. در واکنش به این جابجایی،
 تنها رسانه‌های دولت روحانی، یعنی سایت و
 روزنامه ایران این جابجایی را با نزدیک بودن
 انتخابات ریاست جمهوری و مخالفت‌های
 سرسختانه سنایی‌راد با محمود احمدی نژاد»
 هماهنگ دانست. در همین رابطه، علی
 سعیدی از دفتر خامنه‌ای به جای سرپاسدار
 جعفری، فرمانده کل سپاه ظاهر شد. سرهنگ
 رسول صمدی راد به جای سرهنگ اشرف
 نوری معاون سیاسی سپاه پاسداران دومین
 جابجایی در یکسال گذشته است که به جای
 بازوی اجرایی خامنه‌ای، یعنی یدالله عراقی
 که سرکوب سال ۸۸ و انتخاب احمدی نژاد را
 فرماندهی می‌کرد می‌شنیدند.

در پی این جابجایی‌ها و برکناری‌ها و بازسازی
 ماشین نظامی سرمایه است که روز سه شنبه
 ۲۳/۹/۱۳۹۵، رئیس سازمان عقیدتی سیاسی
 ارتش، حجت‌الاسلام آل هاشم شعارهای
 مالیخولیایی خامنه‌ای را تکرار کرد
 و گفت: اختلاف افکنی و برهم زدن ↖

⇨ وحدت داخلی از ابزارهای مهم دشمنان برای نفوذ در کشور است و... دشمن از شرایط ناشی از تمدید تحریم های آمریکا علیه ایران به دنبال تشدید اختلافات داخلی و ایجاد دو دستگی در میان اقشار مختلف مردم و مسئولین است تا بتواند از این طریق پروژه نفوذ خود را که برای آن برنامه ریزی کرده به اجرا در بیاورد.

در ادامه آمادگی نظامی در برابر خیزش های منطقه ای و سراسری است که «کیومرث حیدری» فرمانده نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی، در «آیین رونمایی از طرح ملی آمایش دفاعی - امنیتی کویر و بیابان با رویکرد استقرار جمعیت» چنین سخن می پراکند که: «کویر از نگاهی هم تهدید و هم فرصت است. اگر دشمن بخواهد از شرق و جنوب شرق کشور و شمال سواحل مکران تهدیدی را علیه ما ایجاد کند با آمایش سرزمینی در این مناطق شرایط را بر دشمن تحمیل می کنیم و آن ها را از پای در می آوریم.»

دشمنان اصلی نظام

دشمنان نظام حاکم، در درون جامعه اند. در تار و پود مناسبات حاکم، در خیابان ها و کارخانه ها و شهر و روستا، در گستره ایران، زنان و مردان کارگر، میلیون ها دستفروش و کوله بر و زحمتکشانی از لایه های اجتماعی سرگردان و زندگی از هم پاشیده شده و نیروهای همه روزه در اعتصاب و اعتراض های کارگران و تهی دستان شهر روستا، دانشجویان و دانش آموزان پیشرو در سراسر این پادگان ها و در همه جا دشمنان طبقاتی برای سرنگونی انقلابی نظامی فاسد و به غایت ضد انسانی. در همین کاربرد و تدارک جنگی است که از افزایش دستکم ۶۳ در صدی بودجه های نظامی، یعنی افزون بر ۲۲ میلیارد دلار در بودجه بندی سال ۹۶ گفتگو شده است. در همین راستا است که روسیه نوتراری و چین از سویی در پیوند با نیروهای نیابتی خویش، در سپاه و باند اقتصادی و نظامی حاکم در بند وبست و آمادگی اند و در سوی دیگر آمریکای شمالی و کشورهای اروپایی، در بند و بست و حمایت از باند پروغرب که بقا نظام را در گرو پیوند با سرمایه جهانی و نولیبرالیسم این بلوک می دانند، که با بیت رهبری در میانه ی دویباند، در میانه ی اربابه های دوسوی بلوک جهانی سرمایه افسار بسته اند.

بخش خبری جهان امروز

دسامبر ۲۰۱۶



جواد. ب

مروری کوتاه بر بحران اقتصادی سالی که گذشت!

بگیرند، به آن امید که چرخشی تازه در اقتصاد بحران زده با سرمایه گذاری ها و شدت بخشی به استثمار نیروی کار رخ دهد.

ایتالیا

در ایتالیا که پس از یونان و اسپانیا که از دید بیکاری، در پی بحران ۲۰۰۸ آسیب زیادی دید و ورود چندین بانک در آستانه ورشکستگی قرار گرفت. بنا به گزارش تمامی خبرگزاری ها، اینک، بزرگترین بانک این کشور که قدیمی ترین بانک جهان است، در آستانه ورشکستگی قرار گرفت. نجات موقت بانک ونیز در ایتالیا، تنها از طرف دولت توانست در روزهای اخیر از فروپاشی بگریزد. بانک ونیز، وقت داشت تا روز ۲۲ دسامبر، مبلغ ۵ میلیارد یورو از هر راهی که می تواند (فروش سهام و اوراق بهادار و...) از سرمایه گذاری سهام داران بزرگ خود (شرکت های بیمه و دیگر سرمایه داران) این سرمایه را فراهم آورد. هدف جلوگیری از ورشکستگی نظام بانکی و تلاش برای مهار بحران تقدینگی در بانک های ایتالیایی بود. در همین رابطه، پارلمان با تصویب طرحی فوری، دولت را برای در اختیار گذاشتن ۲۰ میلیارد یورو به بانک ها ماموریت داد. این همان سیاستی بود که دولت اویاما را در سال ۲۰۰۹ به تریق بیش از ۷۰۰ میلیارد دلار به بانک های بزرگ کشاند و تولیدات صنعتی مانند ژنرال موتورز و غیره را حمایت نکرد. این جنایت به بیکار سازی ده ها هزار کارگر صنعتی در آمریکا انجامید. مونت دی پاسکی دی سیه نا، (Monte dei Paschi di Siena) بخش گسترده ای از شبکه های مالی، بانکداری خرد، بانکداری اختصاصی، بانکداری شرکتی، بانکداری سرمایه گذاری، مدیریت سرمایه گذاری و بیمه را ارائه می نماید. این بانک که بیش از ۵۰۰ سال سابقه تاریخی دارد و سومین بانک بزرگ ایتالیا به شمار می آید، یکی از جمله بانک های بحران زده ایتالیایی است که در چند روز گذشته سهام آن در بورس به شدت کاهش یافت. این بانک، در تمامی سال ۲۰۱۶ در این تعهد کوشید، اما بحران سرمایه داری به او این مجال را نداد و موفق به فراهم آوری ۵ میلیارد یورو نشد. دولت ایتالیایی دچار بحران، خود بناچار به کمک شتافت تا از ورشکستگی بانک ونیز و سونامی ورشکستگی بانک های تابع و به طور کلی بنگاهای اعتباری و مالی و سهام و همه تار ⇨

در ماه های اخیر جنگ نیابتی پر دامنه تر از پیش در خاورمیانه ادامه داشته است. سلاح های کشتار جمعی در ابعاد بسیار گسترده از سوی بلوک های سرمایه داری به طور مشخص به کشورهای منطقه سرازیر بوده است. از سوی دیگر بیکارسازی و بیکاری در کشورهای اروپایی که بیشتر از بحران های مناسبات سرمایه داری آسیب فراوان دیده بودند، همچنان ادامه یافته و همین بیکاری که از سویی به سود بورژوازی حربه ای برای افزایش بهره کشی و سود بوده، برای دولت هایشان پرهزینه بوده است. بحران پناهندگان، خود، پی آمد جنگ و بحران های اقتصادی در خاورمیانه و آفریقای شمالی به ویژه برای دولت های اروپایی به صورت معضلی سنگین در آمده و موجب گسترش تروریسم به کشورهای اروپایی گردیده و در هر گوشه ای از شهرها خانه کرده است. این تروریسم خود آفریده بورژوازی، در جامعه هراس افکننده و ذهن جامعه را فرا گرفته است. سرچشمه ی همه ی این ناهنجاری ها، خود مناسبات بحران زای سرمایه داری، بحران برآمده از این اقتصاد و ادامه بحران اقتصادی است.

این بحران، علیرغم تمامی تلاش دولت های بورژوازی، مهار نشده و حتی قادر به کاهش آن نیستند. این بحران از سال ۲۰۰۸ به سنگینی با درجات مختلف بر تمامی جهان سایه افکنده است. ایالات متحده آمریکا که مدت ها پس از جنگ دوم، موتور حرکت اقتصاد جهان بعد از هر بحران مقطعی در جهان بود، امروزه بیکاری همچنان به شدت ادامه داشته و وضعیت اقتصادی، لنگ لنگان با رشید ناچیز (۲ درصد) و با جنگ افروزی مجال بقا یافته است. دولت آمریکا، در دو سال گذشته، پی در پی از طرف بنگاه های تبلیغاتی از «برون رفت از بحران» دم می زند، اما تداوم بحران و رکود حاکم را نمی تواند در سیاست گذاری نرخ بهره های بانکی پنهان نگه دارد. اعلام پائین نگه داشتن نرخ بهره از طرف بانک مرکزی آمریکا (فدرال رزرو بانک) در هفته های اخیر اعتراضی است بر این واقعیت. بنا بر آن بود که بانک مرکزی آمریکا، به ادعای مهار بحران، نرخ بهره را افزایش دهد، اما تا امروز ۲۳ دسامبر ۲۰۱۶ این تصمیم نه تنها عملی نشده بلکه به وارونه، ناچار شده اند تا نرخ بهره را به سود بانک های دیگر و بورژوازی، کاهش بیشتری دهند تا با توجه به اعتبار های بانکی بی بهره، وام های بیشتری

دریا سپردند تا به هروسپله خود رابه جای امنی شاید که به گوشه ای از اروپا برسانند. هزاران نفر با موج‌های دریاها جان باختند. آنانی که به ساحل رسیدند و خود را به گوشه‌هایی در اروپا پناه جستند، روزنه امیدی می‌یافتند، با تحقیر و فشار پلیس و گروه‌های نژاد پرست و التراسیست‌ها روبرو می‌شوند. پناهگاه‌هایشان به آتش کشیده می‌شود و در اردوگاه‌های بازمانده از دوران جنگ جهانی دوم و مانند آنها همراه با نفوذی‌های داعش و تروریست‌های اسلامی و آدمکش‌ها و جانی‌ها نگهداری می‌شوند. در چنین شرایطی است که نیروهای فاشیستی مجال می‌یابند تا باهراس افکنی دردل شهروندان اروپایی، به قدرت سیاسی برسند و با فریبکاری و تبلیغات، خطرریکاری و بحران را به گردن مهاجرین افکنده و کارگران اروپایی را به سوی خویش بکشاند تا نمونه‌ی فرانسه و آلمان و دانمارک به قدرت برسند و یا به نمونه سوئد و نروژ و فنلاند به پارلمان راه یابند.

در سال گذشته نیز، بیش از پیش، تنها موتور واقعی تولیدی که در رونق است و اقتصاد بورژوازی را لنگ لنگان به هزینه‌ی خون و زندگی میلیون‌ها انسان و با ویران‌سازی جهان که حلب الگوی آن است، می‌گردد، چرخ تولیدات جنگ افزارها است. سلاح‌های این جنگ افروزی‌ها بورژوازی از آمریکا و چین و روسیه و فرانسه و آلمان و... تولید و صادر می‌شوند تا جرخ سرمایه جهانی بچرخد. کشورهای خریدار، نمونه عربستان، ایران، سوریه، کویت، امیرنشین‌های خلیج فارس و... با جنایت آفرینی و تسمه کشیدن به گرده کارگر، به پرداخت‌ها صدها هزار میلیاردی پیمان می‌بندند. به این گونه است که جنگ‌های نیابتی و... شعله ور شده و گسترش می‌یابند. سال گذشته، به سال ۲۰۱۷ میلادی در حالی گره می‌خورد، که بحران سرمایه‌داری و جنگ و فلاکت، و تروریسم و استثمار را چشم‌اندازی جز شدت یابی نمی‌دهد. پایان یابی سرچشمه همه این بحران در گرو سرنگونی مناسبات حاکم و نظام‌های حکومتی این مناسبات و پیروز طبقه کارگر و سوسیالیسم است.

۲۳ دسامبر ۲۰۱۶



چین است که در مقام سوم اقتصاد به مقام دوم جهانی دست یافته و رقابت مرگ آوری با آمریکا در جریان است. غول اقتصادی چین، با تمامی تلاش می‌کوشد تا به مقام اول جهانی دست یابد. تمام بحران سیاسی بین دو کشور را در آسیای جنوب شرقی باید در این مساله جستجو کرد. زیرا چین با تمام نیرو در تلاش باز پس گیری مناطق اقتصادی از دست رقیب است و برخوردها و تنش‌های سیاسی و نظامی را باید در این رابطه ارزیابی کرد.

آمدن ترامپ و دار و دسته نظامی و امنیتی وی نتیجه تمام بحران بزرگ سرمایه‌داری در آمریکا می‌باشد. طبقه کارگر در مناطق صنعتی قدیم در میان آمریکا به گونه‌ای سرسام آور در دهه‌ی گذشته بیکار شده و از سوی دیگر، بخش‌های زیادی از طبقه متوسط به سبب به ویژه بحران مسکن که شروع تمام ماجرای اخیر بود به گونه‌ای گسترده از هستی ساقط و به سمت طبقه کارگر پرتاب شده‌اند و در شرایط نبود یک نیروی رادیکال انقلابی به راست ترین جناح‌های سیاسی سرمایه‌داری رای داده‌اند. آنان به امید واهی به دشمنان خویش رای داده و می‌دهند تا با ایجاد کار و رونق به شرایط پیشین خود دست یابند. آنها لبه‌ی تیغ حمله را علیه بخش دیگری از طبقه کارگر (مهاجرین کار به ویژه مکزیکی و لاتین) نشانه گرفته‌اند.

بحران پناهندگی و تروریسم

در سال گذشته، بحران پناهندگی به ویژه در پی‌آمد همان بحران فراگیر جهانی گسترش یافت و فاجعه بود. صدها هزار نفر در هراس از مرگ و گرسنگی با به خطر افکندن جان خویش با کودکان خردسال، خویش جان به

ویود مناسبات جلوگیری کند. دولت ایتالیا از طریق بانک مرکزی خود، به خرید اوراق قرضه (Bonds) چاپ شده به وسیله بانک و علاوه بر آن ۵ میلیارد از همین راه به بانک‌های دیگر ایتالیا که در آستانه ورشکستگی بودند بدهد. این اعتبار وامی، به نوبه خود از بانک مرکز اروپا (آلمان) تزریق می‌شد و در غیر این صورت ما شاهد توفان ورشکستگی بانک‌های دیگری بودیم که به گونه‌ای گریز ناپذیر با خرید سهام و اوراق قرضه از بانک‌های ایتالیایی خود را در معرض خطر قرار داده‌اند. بانک مرکزی اروپا یا در واقع سرمایه‌داران بزرگ در آلمان، این وام را با بهره‌های سنگین در اختیار بانک مرکزی ایتالیا قرار می‌دهد تا در یک دوره ۵ ساله با بهره‌های صد میلیونی، بازپرداخت شود.

این پول‌های نجات بخش بورژوازی، در نهایت از گلوی طبقه کارگر و از راه افزایش مالیات‌ها و کاهش خدمات اجتماعی پرداخت و جبران می‌شوند.

سوئد

در کشور سوئد که به نسبت از بحران حاکم، آسیب کمتری دیده است، با پیش بینی مهار بحران، قرار بر این بود که از سال ۲۰۱۷ نرخ بهره بانک مرکزی (پول پرداختی بانک‌های خصوصی سرمایه‌داری) افزایش یابد. اما این پیش بینی‌ها، یک خوش خیالی بیش نبود. اقتصاد دانان سرمایه با این همه جایزه نوبل، فکر می‌کردند که با رونق اقتصادی، تورم به مرز ۲ درصد برسد (بهره کنونی منفی نیم درصد است) و بالا بردن بهره‌های بانکی در دستور کار قرار گرفته بود. اما رئیس بانک مرکزی سوئد، روز ۲۱ دسامبر ۲۰۱۶ چند روز پیش، اعلام کرد که در سال آینده این تصمیم و پیش بینی عملی نخواهد بود و باید وارونه عمل کرد. بنابراین اعلام شد که نرخ بهره به منفی (درصد) خواهد رسید. برای طبقه کارگر، این به آن معنی است که بحران بیکاری که مهمترین معضل این جامعه است همچنان ادامه خواهد یافت.

در مقیاس جهانی، رقیب اصلی آمریکا در عرصه جهانی سرمایه، دیگر همانا چین است. زیرا در در ازای بحران عمیق کنونی، این

**کمک مالی به
حزب کمونیست ایران
و کومه له**

اعضا، هواداران و دوستان حزب کمونیست ایران و کومه له! مردم آزاده و مبارز! ما برای ادامه کاری فعالیت‌هایمان به کمک مالی شما نیازمندیم! تلویزیون کومه له و حزب کمونیست ایران با پشتیبانی و کمک مالی شما قادر خواهد بود با کیفیت بهتر و در شبکه‌های قابل دسترس تر، فعالیت‌هایمان را در راستای اهداف سوسیالیستی برای تحقق زندگی ای شایسته انسان پیش ببرد! ما را در این راه یاری رسانید و به هر طریق و شکلی که برایتان مقدور است کمک‌های مالی خود را به تشکیلات‌های ما در هر محلی که هستید برسانید.

جهانی که در آن جان انسان‌ها ارزش یکسانی ندارد!

القاعده، دولت اسلامی، جبهه النصر، بوکوحرام و الشباب را مهیا ساخت که ترور و وحشت پراکنی به یکی از ارکان اصلی استراتژی آنها تبدیل گشت و اتفاقاً بیش از همه مردم این جوامع قربانی این تروریسم وحشی گردیدند. در این میان هرکدام از این دو جبهه ارتجاعی با مدیای خود با اتاق‌های فکری خود و با ایدئولوژی خود در فکر تسخیر ذهنیت توده‌های مردم هستند. یکی در دفاع از ارزشهای به اصطلاح جهان متمدن و آزاد غرب سخن می‌راند و دیگری سنگ دفاع از ارزشها و تمدن اسلامی را به سینه می‌کوبد.

آنچه در جنگ مابین این دو قطب ارتجاعی نادیده گرفته می‌شود سرنوشت میلیون‌ها انسانی است که دارند در خاورمیانه و آفریقا در زیر چرخ دنده‌های جنگ‌های نیابتی، قومی و مذهبی له می‌شوند. آن افقی که هرکدام از قطب‌های ارتجاعی پیشروی جهان معاصر ترسیم می‌کنند غیر از بربریت ذره‌ای جوهر انسانی در خویش ندارند. آیا آن پنج هزار نفری که در آبهای ساحلی اروپا غرق شدند شایسته‌ی هیچگونه همبستگی انسانی نبودند. این کدام ارزش‌های انسانی است که اجازه می‌دهد با جانی‌ترین دیکتاتورها بر سر سرنوشت پناهجویان معامله کرد، پناهجویانی که اتفاقاً خود قربانی همین تهاجم میلیتاریستی غرب به اصطلاح متمدن به سرزمین‌هایشان هستند. آیا این پناهجویان این خیل آوارگان جنگی، این قربانیان رقابت قدرت‌های سرمایه‌داری جهانی و منطقه‌ای شایسته برخورداری از زندگی انسانی نیستند؟

ما این جهان وارونه را نمی‌خواهیم. جهانی که در آن جان انسان‌ها ارزش یکسانی ندارند باید از بنیان دگرگون شود. باید جهانی را برپا کرد که در آن خطر بحران‌های ویرانگر اقتصادی و جنگ و کشتار و آوارگی برای همیشه پایان یابد. جهانی که در آن انسانها از امکانات یکسان و فراوان برای رشد استعداد و توانائی‌های فردی برخوردار شوند. جهانی که در آن آزادی و رفاه هر فرد شرط آزادی و رفاه همگان باشد و مبارزه برای بقای فردی خاتمه می‌یابد و انسان‌ها به شرایط واقعا انسانی قدم بگذارند.

برگرفته از سخن روز

نلویزیون حزب کمونیست ایران

۲۰۱۶-۲۷-۱۲ | ۱۳۹۵-۰۷-۱۰



"تصمیمات سیاسی و حقوقی" اسم رمز تهاجم به مهاجرین، میلیتاریزه و امنیتی کردن جامعه و زیر نظر گرفتن اماکن عمومی می‌باشد. وزیر داخلی آلمان دستور داد که به مدت سه روز پرچم‌ها نیمه افراشته شوند. رئیس سازمان امنیت آلمان اعلام کرد: "این کاملاً روشن است که جهت تحقق امنیت و آزادی خودمان از هر وسیله‌ای استفاده خواهیم کرد". در یک نظرسنجی بلافاصله بعد از این حادثه حزب راسیستی "آلترناتیو برای آلمان" میزان طرفداران خود را با دونیم درصد افزایش به پانزده و نیم درصد رساند. ترامپ حادثه‌ی برلین را "جنگ مذهبی در مقایسه جهانی" توصیف کرده و در روز بیست و نهم آذر اعلام نمود که "گروه دولت اسلامی و دیگر تروریستهای اسلامی به طور مداوم به مسیحیان و مراکز مذهبی شان حمله می‌کنند".

سردبیر دویچه وله (رادیو آلمان) گفت "ترور مرگبار برلین همه‌ی کسانی را هدف قرار داده است که خواهان یک زندگی آزاد و آسوده هستند. یک حمله بربرمنشانه علیه آمال و آزادی ما. اکنون آلمان خود قربانی تروریسم است، همچون بریتانیایی‌ها، فرانسویان، اسپانیایی‌ها، اسرائیلی‌ها و آمریکایی‌ها. این حمله به یک بازار کریسمس عملاً یک نهاد مسیحیت را هدف قرار داده است که بیان سنت و هویت آلمان و اروپاست. زندگی فارغ‌بال و آسوده در اثر این حمله آسیب دیده است."

یک بار دیگر این جمله‌ها را در ذهن خود مرور کنید. جنگ اسلام علیه مسیحیت جنگ بربرها علیه جامعه آزاد و آسوده، کشورهای قربانی تروریسم فقط در غرب به علاوه اسرائیل و همه‌ی اینها گویا در همدردی با قربانیان یک حادثه تروریستی در برلین ابراز می‌گردد. در این میان گویا کسی به خاطرش نمی‌رسد که این حادثه فقط یک فاجعه در میان مجموعه فجایعی است که دست کم در ربع قرن گذشته در جنگ میان تروریستها اتفاق افتاده است. جنگی که مابین تروریسم دولتی و تروریسم جریانات شبه فاشیستی، اسلامی و راسیستی جهان معاصر را در خود فرو برده است. در این میان کسی به خاطرش نمی‌رسد که آن زمانی که جهان به اصطلاح متمدن غرب و جهان مسیحیت با پرچم جنگ صلیبی خویش خاک افغانستان، عراق، سوریه و لیبی را به توبره می‌کشید زمینه‌ی عروج جریانات به غایت ارتجاعی و ضد انسانی از نوع طالبان،

در بیست و هشتم آذر ماه در حمله داعش به قلعه‌ای در شهرک الکوک در جنوب اردن نه نفر کشته و دستکم سی نفر به بیمارستان منتقل شدند. در غروب بیست و نهم آذر ماه در یک حمله تروریستی به یک بازار کریسمس در برلین دوازده نفر کشته و نزدیک به پنجاه نفر زخمی شدند. در شب سی ام آذر ماه دو فقره انفجار در مقابل دفتر سیاسی حزب دمکرات کردستان در عراق انجام گرفت که منجر به کشته شدن هفت نفر و زخمی شدن تعدادی گردید. حملات هوائی ترکیه در روزهای گذشته به شهرالباب در شمال سوریه باعث کشته شدن دستکم هشتاد و هشت نفر غیرنظامی و از جمله تعدادی کودک شده است. روز دوم دیماه اعلام شد که در طول پنج سال جنگ در سوریه سیصد و بیست هزار نفر به قتل رسیدند که نود هزار نفر آنان غیر نظامی و شانزده هزار نفر کودک بودند. سازمان ملل در دوم دیماه اعلام کرد که پنج هزار مهاجر از ابتدای سال ۲۰۱۶ در دریای مدیترانه برای رسیدن به سواحل اروپا جان خود را از دست دادند. در چهارم دیماه در پی حملات هوائی جنگنده‌های سعودی هفت کودک و دو زن در یمن کشته شدند.

در هفته گذشته در میان همه این اخبار تکان دهنده که وجدان هر انسانی را آزار می‌دهد و اندوهی عظیم را بر قلب‌ها می‌نشانند، تنها یک خبر مدیای جهانی را اشغال کرد و بقیه را تحت الشعاع قرار داد. این خبر واقعه تروریستی برلین بود. سران کشورهای جهان پیام‌های همدردی برای صدر اعظم آلمان فرستادند. پلیس جوان ایتالیایی که "انیس رمزی"، مظنون حادثه تروریستی برلین را در یکی از حومه‌های میلان ایتالیا به قتل رساند، عنوان قهرمانی گرفت و صفحه اول روزنامه‌ها را به خود اختصاص داد. موج جدیدی از راسیسم و پناهنده ستیزی فضای جهان غرب و بویژه آلمان را فرا می‌گیرد. صحبت از خیانت به کشوری می‌شود که "سخاوتمندانه" مرزهای خود را برای پذیرش پناهجویان گشوده است. مرکل صدراعظم آلمان اعلام میکند که به وزاری داخله و دادگستری، سازمان امنیت و مشاور ویژه صدراعظم دستور داده است که در هماهنگی با یکدیگر اقدامات لازم را جهت باز پس فرستادن پناهجویان تونس به کشورشان به عمل آورند و اعلام می‌کند: "هر جا که نیاز به تصمیمات سیاسی و حقوقی موجود باشد در اسرع وقت انجام خواهد گرفت" و البته فراموش نشود که

JAHAN-E-EMROUZ

JE - P:O:Box 75026 50 26 Uppsala SWEDEN

Editor: **Halmat Ahmadian**

28 December 2016 NO: **365**

سالی که رفت و سالی که می آید

در سال پیش رو جنگ ها بود، خونین
در بین تولیدگر و مار زهر آگین

سرمایه بارویی است، فرسوده، بی تضمین
تاریخ و میراثش آلوده و ننگین
اما هنوزش هست نیم سفره ای رنگین
در خشکی و فضا، جنگ میکند تکوین

تا کارگر گردد پیروز فرجامین
تولیدگران باید، با نقشه، آهنگین
با علم، با سلاح تجهیز شوند، شیرین
اصحاب سوسیالیسم با ریشه، روشن بین

سرمایه با رزم و تناقضات به یقین
از پایه پاشیده، به مرگ کند تمکین
زیرا که این سیستم پایش بود چوبین
این حکم تاریخ است، نه من کنم تلقین

فردون ناظری



(۱) این کلمه در زبان کردی به معنی مرگ است
و می تواند در فارسی هم کاربرد پیدا کند.
(۲) "یو اس ای USA"

بر قله ای بلند، بر بام رنج و کین،
با خشم و در نبرد با سود و جنگ و دین،
بهر "نمان" (۱) شان، از خرد و از مهین،
کنکاش می کنم با عقل خرده بین.

سال گذشته بود پر ماتم و حزین
سال جنایت حکام روس و چین
سال فجایع "یو اس ای" (۲) لعین
سال فروغِ مارکس، پیدایشی نوین

سال گذشته گل پامال آن و این
دریا عزا گرفت بهر مهاجرین
زنبور بی نصیب از شهد و انگین
ارکیده غنچه کرد، خندید یاسمین

آنیکه در ره است، سالیست سهمگین
بهر جو و فضا، یا مادرم زمین
یخ های هر دو قطب پر غصه و غمین
شاهین ما، ولی، در عرصه ای برین

با نقشه ی ترامپ، جین پینگ یا پوتین
"سرمایه" بهر ما افکنده صد کمین
باید که کردشان با مرده ها قرین
با رزم بی امان، با عزم آهنین

بر قله ای بلند، بر بام رنج و کین
تدبیر می کنیم، با علم و هم تخمین

آدرس های حزب کمونیست ایران و کومه له

نماینده گی کومه له در خارج کشور

کمیته خارج کشور

دبیرخانه حزب کمونیست ایران

K.K. P.O.Box75026
750 26 Uppsala - Sweden
Fax: 004686030981

representation@komalah.org
Tel: 0046 8 6030981

0046-707 254 016
kkh@cpiran.org

C.D.C.R.I. Box 2018
127 02 Skärholmen
SWEDEN
cpi@cpiran.org

از سایت حزب کمونیست ایران
دیدن کنید!

www.cpiran.org

سایت حزب کمونیست ایران

